



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

# سرکوب کارگران، حمایت از سرمایه‌داران وابسته است

سرمقاله

## انقلاب در خطر نابودی است

نیروهای انقلابی از هفته‌ها پیش بارها و بارها خطر رخنه ضدانقلاب و عوامل امپریالیسم امریکا را در دستگاه‌های دولتی و در رهبری کمیته‌ها و پاسداران انقلاب گوشزد کرده بودند. ما بارها هشدار داده بودیم که توطئه گران می‌خواهند مردم را به صرف آن که عقاید وایدئولوژی‌های متفاوت و یا احساسات ملی و قومی متفاوتی دارند در برابر هم قرار دهند. می‌خواهند مبارزه ضد امپریالیستی ستم‌دیدگان را از جهت اصلی آن منحرف کنند و به مبارزه میان مردم تبدیل کنند. در واقع زمینه چینی‌های ضد انقلاب کاملاً محسوس بود. روزی نبود که پرسشنامه‌ای بر علیه نیروهای ترقی خواه پخش نشود و در گوشه و کنار میهن تحریکات ضد انقلابی صورت بگیرد و گامی در جهت سرکوبی عقاید و اندیشه‌های ترقی خواهانه برداشته نشود.

متأسفانه فضای حاکم بر رادیو تلویزیون که دیو سانوسور را چون گذشته فرمانروای این وسیله ارتباط جمعی کرده است هرگز اجازه نداد که کشتارهای نیروهای ترقی خواه و واقعیات امر به گوش توده‌های مردم برسد دولت بازرگان نیز هرگز به هشدارهای نیروهای انقلابی توجه نکرد. در واقع دولت با بی‌اعتنائی به توصیه‌های انقلابیون، تقویت عناصر غیرهستول و آزاد گذاشتن محرکین، مردم را از شناخت دست‌های آلوده‌ای که در پناه دفاع از شیعت هرگونه اندیشه آزادیخواهانه و ترقی‌خواهانه را با چماق تکفیر، سرکوب می‌کند، محروم کرد. واضح است که گسترش سانوسور، عدم دسترسی توده‌های مردم به واقعیات و سوء استفاده از احساسات پاک ملی و مذهبی توده‌های مردم به ویژه جوانان، محیط مناسبی برای رشد فاشیسم و اختناق پدید می‌آورد و این درست همان چیزی است که امپریالیسم و دشمنان ایران با نفوذ در کمیته‌ها و دستگاه‌های دولتی و صفوف مردم در پی ایجاد آنند و چه هولناک است که بگوئیم تاکنون موفق هم بوده‌اند.

اینک عواملی که برخی دانسته و برخی ندانسته به آلت دست امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته به آن بدل شده‌اند، هر روز حادثه‌ای شوم به وجود می‌آورند. آنها در پناه سانوسور و اختناق یکروز در کردستان و گنبد، دهقانان و زحمتکشان را به خاک و خون می‌کشند و روز دیگر کارگرانی را که برای رسیدن به ابتدائی‌ترین حقوق انسانی خود برخاسته‌اند در اصفهان و سایر نقاط میهن سرکوب میکنند و آزادیخواهان را دستگیر و شکنجه می‌کنند. روشن است که استثمارگران جهانی و سرمایه‌داران وابسته به آنها می‌خواهند به هر وسیله‌ای که شده دوباره دست و پای ستم‌دیدگان را ببندند، بردهان آزادیخواهان قفل زنند، آزادی‌های فردی و اجتماعی را از مردم سلب کنند و بدینسان راه تحکیم سلطه خویش را هموار کنند. و طبیعی است که در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند.

رفتار عوامل ضدانقلاب با مجاهد کبیر آیت اله طالقانی که زندگی خود را وقف مبارزه با امپریالیسم و استبداد کرده و امروز خلق‌های مایه‌بیشاز هر زمان دیگری به تجربه مبارزاتی و سیاسی او احتیاج دارند، خود بهترین گواه بر آنست که دشمن تاجه حد خود را در راه عملی کردن توطئه‌های شوم خویش آزاد می‌بیند، تا کجا پیش رفته است و چه خطرات

بقیه در صفحه ۲

## کارگران سخن میگویند

این روزها کارگران بیکار و اخراجی کشور ما، در شهرهای مختلف، با راهپیمائی و تحصن دست به اعتراض زده‌اند و خواستار آنند که هر چه زودتر به وضعیت رسیدگی شود. بیکاری خاتمه یابد و حرفه‌ایان به گوش همه مردم کشور برسد.

بقیه در صفحه ۲

وزارت کار سپری کردند ولی دریافتند که از این طریق نتیجه‌ای نخواهند گرفت و به تدریج به اقدامات گسترده‌تر و متشکل‌تری دست زدند. آنان برای رسیدن به حقوق مسلم خود تحصن کردند اعتصاب غذا کردند و به راهپیمائی دست زدند ولی هر بار به اشکال مختلف با تهاجم سرکوبگرانه‌ای روبرو شدند و در اغلب موارد توطئه‌گران با برچسب‌های گوناگون آنان را سد راه انقلاب بقیه در صفحه ۲

در جریان قیام حق طلبانه‌ی مردم ستم‌دیده میهنمان بر علیه دیکتاتوری رژیم شاه و امپریالیسم، کارگران و زحمتکشان بعنوان رکن اصلی قیام، در صفوف متحد خلق، بارها و بارها خونبار خود نقش اساسی را بر عهده داشتند در حالیکه از نتیجه آن در جهت بهبود شرایط زندگی‌شان هیچ بهره‌ای نبردند. آنان مدتی را به مذاکره با مسئولین کارخانه

## اول ماهه روز نمایش شور مبارزاتی انسانهای تحت ستم

اول ماهه فقط یک خاطره نیست، فقط یک یاد بود نیست، اول ماهه فقط یک عید کارگری نیست. روزی نیست که فقط آن را گرامی بداریم و باشکوه هر چه بیشتر برگزار کنیم. اول ماهه، چیزی بیشتر از همه اینهاست: در روز اول ماهه میلیون‌ها انسان تحت ستم باید شور مبارزاتی خود را به نمایش بگذارند و به نیروی عظیمی که در اتحاد و تشکل آنان نهفته است ایمان بیاورند. بهیچ وجه نیست که سرمایه‌داران همواره از این روز و وحشت داشته‌اند و همواره در طنین سرودهای آن ناقوس مرگ خود را شنیده‌اند. سرمایه‌داران خوب می‌دانستند که اگر کارگران به نیروی عظیم خود پی ببرند و متحد و متشکل شوند، دیگر به یک اقلیت تحت ستم در کشور اجازه نخواهند داد که با کمیدن خون رنجبران و استثمار و حشانه کارگران به زندگی انگل و ار خود ادامه دهند. از همین روست سرمایه‌داران همواره کوشیده‌اند با انواع توطئه‌گری و تفرقه‌اندازی‌های موزیانه و در نهایت با شقاوت و بی‌رحمی تمام هرگونه همکاری، تشکل و اتحاد کارگران را درهم بکوبند و هرگونه حرکت اعتراضی آنان را سرکوب کنند.

بقیه در صفحه ۵

## نقد

### اساسنامه یک سندیکا

مدتهاست رفقای کارگر آزما می‌خواهند که طرحی از اساسنامه سندیکارائه بدهیم تا بر طبق آن و با تصحیح و تکمیل آن، بالاخره اساسنامه کامل تهیه و تدوین شود و مورد استفاده همه کارگران مبارزی که در جهت متشکل کردن مبارزات خود هستند قرار بگیرد.

اولین تلاش‌های ما در این مورد جزوه "بحشی درباره سندیکا" بود که از جمع بندی نظرات رفقای کارگر در اولین جلسات بحث آزاد بدست آمده بود در حقیقت از شور و هیجانی که در آن روزها همه اقشار خلق و بخصوص کارگران را دربر گرفته بود، مانیز بوجود آمدیم و به انتشار آن با اعتقاد به ضعف ها و نقص‌های آن اقدام کردیم، باین امید که خود بتواند زمینه مناسبی برای بحث‌ها، انتقادات و اصلاحات آینده باشد. با آنکه تیراژ جزوه بسیار بالا بود و بطور وسیع منتشر شد انتقادات ناچیزی (البته نسبت به انتظارات ما) بر آن شد. در بحث‌های چندی که با رفقای کارگر یا فعالین دیگر داشتیم و از عدم برخورد انتقادی با جزوه صحبت می‌کردیم همگی سطح پائین فعالیت‌های سندیکائی و عدم تجربه طولانی و واقعی این گونه مبارزات را دلیل بر عدم برخورد فعال با جزوه ذکر می‌کردند. بقیه در صفحه ۸

## سخنی با هواداران سازمان

توطئه‌های نفاق افکنانه امپریا - لیزم و ارتجاع داخلی که در بن خرد نطفه‌های سرکوب خونین خلق را می‌پروراند، اینک به مثابه موثرترین حربه و سلاح دشمن خلق، دستاوردهای قیام و مبارزات مردم را تهدید می‌کند.

## گزارشی از مبارزات کارگران بیکار اصفهان

مدتی نزدیک به دو ماه است که کارگران بیکار اصفهان و حومه برای کسب حقوق خود و بازگشت به سرکار، مبارزه خود را آغاز کردند. کارگران که پس از تحمل آن همه فشار و گرسنگی جان‌شان به لب رسیده است، از مدت‌ها پیش بارها و بارها به استانداری و اداره کار اصفهان مراجعه کرده‌اند، اما نتیجه‌ای نگرفته‌اند. کارگران در آغاز به طور پراکنده و فردی اقدام می‌کردند، چیزی جز وعده به دست نیاموردند و هیچکدام از مسئولین امور هم به وعده هایشان عمل نکردند. کارگران که بدرستی بی‌برده بودند نمی‌توانند بطور فردی و بی سازمان در جهت گرفتن حقوق خود اقدام کنند، با انتخاب نمایندگان و تشکیل شورای موسس اتحادیه کارگران بیکار اصفهان و حومه به مبارزه خود شکل منظم و سازمان یافته تری دادند. در این میان بی‌تجربگی کارگران و عدم شناختی که از یکدیگر داشتند باعث شد که در بعضی موارد عناصر خود فروخته‌ای که قصدشان منحرف نمودن مسیر مبارزه کارگران بود، به درون کارگران نفوذ کنند. اما با هوشیاری کارگران، به زودی دست آنها رو شد و کارگران آنها را از صفوف خود بیرون انداختند. تحریکات عناصر ارتجاعی در جهت اختلاف انداختن در میان کارگران نیز موثر نیفتاد. بدین طریق مبارزه کارگران با تشکیل جلسات در خانه کارگر اصفهان در مسیر منطقی خود پیش رفت.

بقیه در صفحه ۵

## گرامی داشت خاطره شهدای سی ام فروردین

سی ام فروردین سالروز شهادت فدائیان شهید، عزیز سرمدی، عباس سورکی، بیژن جزینی، احمد جلیل افشار، محمد چوپان زاده، سعید کلانتری، حسن ضیاء ظریفی و مجاهدین مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار را که در سال ۱۳۵۴ در زندان دژخیمان رژیم سابق ناجوانمردانه به جوخه اعدام سپرده شده‌اند گرامی می‌داریم. همچنین خاطره رفیق شهید علی اکبر جعفری را که در این روز با سرودهای جنگ و رهایی در راه خلق جان باختار می‌نهمیم.

آدرس بانکی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران: تهران - بانک ملی ایران شعبه دانشگاه شماره حساب ۳۲۰۹۸ بنام عباس فضیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش بانکی کمک‌های مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

در این شماره: اخبار کارگری ..... ۳ ادبیات کارگری ..... ۴ اخبار شهروروستا ..... ۶ درباره حزب طبقه کارگر ..... ۸

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## کارگران سخن...

بقیه از صفحه اول

از این رومادرین شماره تکه هائی از بحث و گفتگوی کارگران بیکار و متحصن را درباره علت تحصن و اعتراضشان نقل می کنیم .

### همبستگی ما، ضامن پیروزی ماست

در این مملکت هیچ چیز ضامن اجرائی ندارد . ماتصمیم گرفتیم متحصن بشویم زیرا همبستگی ما ضامن پیروزی ماست . خواستار حقوق قانونی خود شده ایم و دستورات ضد کارگری را محکوم می کنیم و تا خواسته هایمان بدست نیاید تحصن رانمی شکنیم .

" من نه سال است کار کرده ام ، زحمت کشیده ام . هشت ماه است می دوم و حقم را نتوانسته ام بگیرم ، حالابه تحصن نشسته ام و حقم را می خواهم ، کاری خواهم "

" با ۲۰ سال سابقه کار ، کارگر را بیرون کرده اند ، اگرهم اعتراض کنی نه تنها حرفهات را بگوش مردم نمی رسانند ، بلکه به ما تهمت اخلاک هم می زنند . ماتحصن می کنیم تا اینکه زورگوئیها ازبین برود . " " چرا باید به راهپیمائی کارگران اصفهان حمله کنند و آنها را به گلوله ببنند؟ کارگران اصفهان هم مثل ماحقشان را می خواهند . آیا می خواهیم به وضع سابق برگردیم که هرکسی اعتراض کرد با توپ و گلوله روبرو شود ؟ وقتی ما کارگران را اخراج می کنند و ماهها بدون یک شاهی ، با زن و بچه گرسنه می مانیم نباید اعتراض کنیم ؟ "

" من کارگری گویم ، می خواهم هشت ساعت کار کنم تا زندگیم را بگذرانم . آیا این حرف غلط است ؟ آیا من بخاطر اینکه تحریک شده ام این حرف را می زنم ؟ خودم عقلم نمی رسد که شکم گرسنه است و بایست کار کنم ؟ به تحریک دیگری احتیاج دارم ؟ من نمی فهمم که اگر کارخانه اشرف و شهناز و غیره را ملی کنند به نفع ما کارگران است تا شکم گرسنه مان را سیر کنیم . و اگر این کارخانه های وابسته را ملی نکنند به نفع یک عده چپاولگر است ؟ در همه این موارد می گویند دیگران مرا تحریک می کنند و گرنه عقل خودم به این حرفها نمی رسد ! "

" ماقیام کردیم که حق پایمال شده مان را بگیریم ، قیام نکردیم که بخاطر خواندن یک اعلامیه یا اعتراض بیایند ما را بگیرند . اگر دولت دستور داده که اینطور زور بگویند و به ما فشار بیاورند که ما تکلیف خودمان را بدانیم . اگر هم دستور نداده پس صراحتاً بگویند و جلو اخلاکگران را بگیرند "

### اتحاد و تشکل بما قدرت میدهد

گفتگو بین ۱۵ کارگر و کشاورز دریکی ازکوچه های قراملک در تبریز در باره تحصن .

کشاورز - ( روبه سه چهار نفر کارگر قالی باف ) آخر داداش می روید باشگاه آنجا متحصن می شوید ، هیچ می دانید آنها کی هستند ؟

کارگر - کی هستند ؟

کشاورز - آنها کمونیست هستند .

کارگر - نه ، کارگر قالی باف هستند .

کشاورز - از کارگران کمونیست هستند .

کارگر - کارگران قالیباف کمتر کمونیست می شوند . چون برای کمونیست شدن باید سواد داشت ، باید کتاب خواند ، آگاه شد ، فهمید کشاورز - اگر قالی بافها هم کمونیست نباشند ، آنها کی که ترتیب تحصن را داده اند و مردم را به آنجا کشانیده اند کمونیست هستند .

کارگر - در مرحله ما اگر وارد مسجد می شدیم ، نزدیک درب پایین به ما جانی دادند . اگر به مهمانی دعوت می شدیم ، معلوم بود ، جای ما پائین مجلس بود . ما را جمع کردند ، نماینده انتخاب کردند اما هیچ فایده ای نداشت . اما در محلی که تحصن کرده ایم پائین مجلس و بالای مجلس هر دو یکی است . همه گوئی فرزند یک مادریم . برای اولین بار افرادی را می بینم که حاضرند با جان و دل به حرف ما گوش کنند . برای اولین بار ما با هم درددل می کنیم . برای اولین بار حرفهایمان را پشت میکروفون می زنیم . برای اولین بار فهمیدیم که اتحاد و تشکل به ما چه قدرتی می دهد .

### پای درددل چندتن از کارگران

بندرعباس - ساعت سه و ربع ( قسمتی از صنایع فولاد ) در خمسخ روز ۵۸/۱/۱۵ جلو اداره کار عده ای کار می کردم . در آن موقع هنوز بندر از کارگران اخراجی برای رسیدگی به عباس شلوغ نشده بود . بکروز که ما حقوق حقه خود جمع شده بودیم . کار در حال کار کردن بودیم به ما گفتند که گری تعریف می کرد : موقتا بعلت خرابی سیمان شرکت تعطیل " پنج ماه پیش در شرکت با شیران است و باید سیمان را از شیراز بیاورند

# سرکوب کارگران ، حمایت از...

بقیه از صفحه اول

حمایت از سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و از آنجاکه دولت در صدد حفظ منافع سرمایه داران وابسته است به خواست برحق کارگران بی توجه است . دولت با حمایت از سرمایه داران وابسته به تشدید بحران افزوده است . بحرانی که با افزایش بیکاری و رکود تولیدات در صنعت و کشاورزی می تواند برای انقلاب ایران مصیبت بار باشد . از آنجائیکه کارگران و زحمتکشان چه در جریان قیام و چه بعد از آن ، مبارزان حق طلبانه خود را در جهت تأمین حداقل نیازهای زندگی شان ادامه داده اند و این امر گویای حیاتی بودن تأمین این نیازهاست ، بنابراین چنانچه دولت خود را مدافع منافع مردم میدانند موظف است با قاطعیت در جهت تأمین خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان اقدامی عاجل بعمل آورد . بدینجهت لازمست هرچه سریعتر ابتداء اقدام به تشکیل صندوق بیکاری کند تا نیازهای فوری کارگران برآورده شود . همچنین با ملی کردن تمام صنایع وابسته و بانکها و ایجاد صنایع مادر ، بیکاری را به سرعت کاهش دهد . اما حل مساله بیکاری و بسیاری از مسائل دیگر که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن با آن دست به گریبان هستند در چهار چوب نظام سرمایه داری وابسته برآورده نخواهد شد ، تنها با نابودی سیستم سرمایه داری و وابسته و ایجاد جامعه ای نوین و دمکراتیک ، تحت رهبری طبقه کارگر است که میتوان مشکلاتی را که زائیده نظام کنونی است ، بیکباره و برای همیشه ریشه کن کرد .

مسائل کارگران از یک طرف و ایجاد صنایع و دودستگی بین کارگران و حملات گوناگون به اجتماعات آنان از طرف دیگر ، امکان تحکیم موقعیت امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن را افزایش می دهد . بدیهی است که امپریالیسم برای حفظ منافع حیاتی خود در ایران از هیچ توطئه ای فروگذار نخواهد کرد و درست به همین علت است که حتی بعد از قیام شکوهمند مردم ، همچنان مبارزات پیگیر در قطع سلطه امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن اجتناب ناپذیر است و وقتی کارگران و زحمتکشان در راه تحقق خواسته های خود آگاهانه مبارزه می کنند به تدریج به این هدف نهائی خواهند رسید .

اینک سرکوب و ارباب کارگران در گوشه و کنار میهن تکرار می شود ، مردم از خود می پرسند که چرا دولت قاطعانه جلوتوطئه گریهای سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ رانمی گیرد؟ و چرا با وجود شواهد عینی در حملات وحشیانه مرتجعین و مزدوران به اجتماع کارگران اقدامی نمی کند؟ چرا دولت جلوی نفاق افکنی های عوامل امپریالیسم را که برای تحکیم مجدد سلطه کامل خود به انواع حیلها متوسل می شوند و به اختلافات ملی - مذهبی در بین گروهها و اقشار و طبقات مختلف دامن می زنند جلوگیری نمی کند؟ و نقش آشکار و پنهان آنان را در برپایی سرکوبها برای مردم افشا نمی کند؟ ما بارها اعلام کرده ایم که عدم رسیدگی به خواسته های کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزات حق طلبانه آنان بطور مشخص گامی است در جهت

دانستند . انقلابی که می بایست در درجه نخست حقوق محرومترین طبقات را پاس میداشت هنوز هیچ دردی از زحمتکشان دوانکرده است .

کشتر کارگران در اصفهان و قزوین و بی توجهی به تحصن کارگران در تهران و تبریز و بندرعباس و سایر نقاط میهن که در راه تحقق خواسته هایمان به مبارزه پرداختند ، بخوبی گویای نقش توطئه های سرمایه داران وابسته و مزدوران آنها در سرکوب مبارزات کارگری است . نقشی که در رژیم پیشین بوسیله همین کارفرمایان و عوامل آنان ایفا می شد ، اکنون همان سرمایه داران وابسته با آلت دست قرارداد عده ای از عناصر ناآگاه تدریجاً توطئه های خود را در اشکال جدید طرح و اجرا می کنند و در صدد تفرقه و سرکوب همه جانبه کارگران و زحمتکشان برآمده اند . در این میان به جای آنکه به خواسته های حق طلبانه کارگران پاسخ مثبت داده شود ، کارگران را اخلاکگر و ضد انقلابی می خوانند ، و سرمایه داران وابسته را دوباره برای اداره کارخانه ها دعوت می کنند .

آیا سرکوب کارگران و تقویت سرمایه داران وابسته راه تحکیم سلطه امپریالیسم راهوار نمی کند؟ چرا آنها که با خون هزاران زحمتکش محروم روی کار آمده اند ، اکنون منافع سرمایه داران وابسته را بر منافع کارگران و زحمتکشان ترجیح می دهند؟ کارگران ما امروز حق دارند بپرسند که دولت از منافع چه کسانی حمایت می کند؟

تعطیل پاره ای از کارخانجات و یا واحدهائی از آنها و جلوگیری از حل

چندروز بعد گفتند بعلت اعتصاب کارگران سیمان شیراز ، سیمان نیست و شرکت تعطیل است . حدود ۵ ماه که اعتصاب و تظاهرات بود شرکت کاملاً تعطیل شد . حالا اوضاع آرام شده و با تغییر حکومت کارگران به سرکارفته اند . من به شرکت مراجعه کردم ولی دیدم یک نفر دیگر به جای من کار می کند . دلیل آنرا پرسیدم ولی جواب درستی ندادند و حتی حقوق یکماه قبل من را پرداخت نکردند . چند روز بعد به اداره کار مراجعه کردم و جریان را در آنجا بازگو کردم ولی آنها به من توجهی نکردند و گفتند در روز دیگر بیا ، ولی در همان جا آقای که چند قدم آنطرفتر ایستاده بود وکت و شلوار تمیزی پوشیده بود و کارش را زود راه انداختند و رفت .

خلاصه من در روز دیگر به اداره کار رفتم ولی آنها بازم برنامه اول را تکرار کردند و جواب درستی ندادند . و همینطور تا حالا ۱۵ روز است که هر روز به اداره کار می روم ولی به حقوق من توجهی نمی کنند و نمیدانم به چه کسی مراجعه کنم . کارگر دیگری می گفت : " من حدود ۱۵ سال در یک شرکت کاری کردم و در این مدت ماهیانه مبلغی را بخوان حق بیمه و مالیات از حقوقم کسر می کردند و حالا بعد از ۱۵ سال سابقه کار اخراج کرده اند . بدون پرداخت ته صندوقی . چندین بار برای دریافت حق ته صندوقی به اداره کار مراجعه کردم ولی تاکنون جواب درستی نگرفته ام و حقوقم در حال پایمال شدن است . ( کسور پدر شاه و کسی که پول من رانمی دهد )

### بقیه سر مقاله

عظیمی انقلاب ستم پیدگان را تهدید می کند و وقتی عوامل امپریالیسم آزادند بارهبران انقلاب چنین کنند ، دیگر تکلیف بقیه مردم معلوم است .

باید این واقعیت دردناک را بپذیریم که عوامل امپریالیسم و دشمنان سوگند خورده میهن اینک دوباره به هرکاری که بخواهند دست می زنند و این هشدار است به همه خلقهای ایران که ضد انقلاب در حال نابود کردن انقلاب است . باید صفوف خود را یکپارچه تر کنیم ، نفاق افکنان و انحصار طلبان را افشا کنیم و با تمام توان خود با همه مظاهر اختناق و سرکوب اندیشه که دشمن استقلال و آزادی میهن است مبارزه کنیم .

ایمان داریم که ستم پیدگان از جان گذشته ای که بندهای دیکتاتوری را از پای خود گسسته اند ، مردمیکه بخاطر کسب استقلال و آزادی ، سرکوبگرترین و مخوفترین دیکتاتوری فردی تاریخ را بگور سپرده اند و دیگر مرکز تسلیم زورگویان و دغلاکارانی که می خواهند دوباره امپریالیسم را بر همه شتون میهن مسلط کنند ، نخواهند شد .

## تشکیل شورای موقتی (در کارخانه داروسازی شیمیکو)

تهران - در این کارخانه شورای موقتی کارگران مرکب از ۵ نماینده از چهار قسمت (حسابداری، آزمایشگاه، انبار و ساخت) شکل گرفته است که می خواهد وظایف زیر را تعقیب کند:

- ۱- کنترل تولید و توزیع.
- ۲- رفع تبعیض بین کارگران.
- ۳- تغییر قانون کار فعلی.
- ۴- جلوگیری از اخراج کارگران.
- ۵- ایجاد صندوق اعتصاب.
- ۶- ایجاد شرکت تعاونی، کتاب خانه، نمازخانه.
- ۷- بهبود وضع بیمه و بهداشت

کارگران - ۸- دوروز تعطیل و ۴۰ ساعت کار در هفته با پرداخت حقوق کامل.

۹- مرخصی سالیانه از سه هفته تا یک ماه.

۱۰- افزایش حقوق سالیانه کارگران مطابق با افزایش هزینه زندگی و نظارت کارگران بر آن.

۱۱- تشکیل جلسه کارگران و نمایندگان هر ۱۵ روز یکبار.

۱۲- به رسمیت شناساندن حق اعتصاب و تشکیل اجتماعات کارگری.

## قطعنامه شورای کارکنان

### ماشین سازی پارس (بخش اراک)

کارگران ماشین سازی پارس (بخش اراک) از روز سه شنبه چهاردهم فروردین بعنوان اعتراض به بی توجهی مدیریت عامل ماشین سازی پارس (ترک زاده) دست از کار کشیدند و مصرا "از مدیریت عامل خواستند که در حضور کارگران به خواسته های شان در پانزدهم فروردین رسیدگی کند، مهمترین این خواسته ها شرح زیر است:

- ۱- هرگونه قراردادی که جهت کارگاهها بسته میشود باید با اطلاع شوراهای کارکنان کارگاهها باشد.
- ۲- به شوراهای کارگاهها اجازه داده شود که در امور مالی و اداری کارگاهها نظارت داشته باشند.
- ۳- بدون مشورت با شوراهای کارکنان کارگاهها، کارفرما حق اخراج و استخدام هیچکس را ندارد.
- ۴- بررسی و گرفتن کار جهت کارگاهها، بطوریکه هیچ کارگاهی تعطیل نگردد و کارگری بیکار نماند.
- ۵- قبول چهل ساعت کار در هفته.
- ۶- تعیین حداقل حقوق برای کارگران کم درآمد با توجه به هزینه زیاد زندگی.

۷- محاسبه دقیق سود ویژه و پرداخت باقی مانده آن در اسرع وقت.

۸- تعیین حداقل سود ویژه برای کارگران کم بضاعت.

۹- یکسان شدن تعطیلات کارگری و کارمندی.

۱۰- تعیین وضعیت استخدامی کارگران و کارمندان که آيا جزو استخدام کشوری (دولتی) هستند یا بخش خصوصی.

کارگران واحد اراک اعلام میکنند که هیچ گونه اختلافی با برادران کارگر ماشینی سازی پارس بخش تهران ندارند و تبلیغات سوء عوامل کارفرما مبنی بر وجود اختلاف بین کارگران این دو بخش را بشدت محکوم میکنند و دوش بدوش کارگران دیگر بخشهای ماشین سازی پارس در راه تحقق خواسته های برحق آنان بمبارزه ادامه میدهند.

ضمناً "کارگران ماشین سازی پارس بخش اراک صمیمانه از شورای کارکنان کارخانه واگن سازی پارس که آنها را در گرفتن مقداری از سود ویژه و حقوق اسفند ماه خودیاری کردند تشکر مینمایند.

## راهپیمائی کارگران بیکار در قزوین

بیکاری دامن گیر همه شهرهای ایران است. از همه جا خبر از اعتراضات کارگران بیکار میرسد. قزوین نیز بیک نمونه آن است. صبح روز هیجدهم فروردین ماه تعدادی از کارگران بیکار کارخانه های مختلف قزوین اجتماع کردند و بطرف اداره کار و امور اجتماعی راه پیمائی نمودند. و به کارگرانی پیوستند که در جلوی اداره کار جمع شده بودند. کارگران از میان خود چهار نفر را برای مذاکره با رئیس اداره کار انتخاب نمودند. نمایندگان کارگران با رئیس اداره کار پیرامون مسائل کارگران از جمله اخراج از کارخانه ها، بیکاری و تعطیل کارخانه ها بگفتگو پرداختند. سپس دو نفر از نمایندگان نخست وزیری که برای تحقیق در مورد کارخانه ها به قزوین آمده بودند با نمایندگان

## کارگران خواستار ملی شدن کارخانه خودروسازان هستند.

تهران - کارخانه خودروسازان که یکی از کارخانه های وابسته است دست باخراج کارگران زده است. هفتاد و پنج درصد سهام این کارخانه متعلق به شرکت "اوریکو" است صاحبان این کارخانه پس از اخذ مجوزات مردم بخارج فرار کردند و به مدیر عامل کارخانه گفتند که تا بازگشت آنها عده ای از کارگران مبارز کارخانه را اخراج کند و او نیز چنین کرد. پس از قیام مردم کارفرما به بهانه اینکه مواد خام نیست و ورشکست شده

است، تصمیم باخراج بقیه کارگران گرفت. تا اینکه در تاریخ یازدهم فروردین بقیه کارگران را نیز اخراج کرد. کارگران علاوه بر اینکه معتقدند در تسویه حساب، حقوق سی و شش روز آنها پرداخت نشده از دولت موقت میخواهند که این کارخانه را ملی کند و اداره آن را به شورای کارگران واگذار نماید. تا خود کارگران را "بتولید بپردازند". کارگران بیکار سرکار باز کردند و دست زالسو صفتان خارجی از مملکت کوتاه شود.

## تحصن دوباره کارگران شرکت ساختمانی مسبا

رشت - چون خواسته های کارگران شرکت ساختمانی مسبا به قولی که مسئولین امور داده اند برآورده نشده است، کارگران مجدداً تصمیم به تحصن گرفتند. کارگران خواسته های خود را در شرح مورد بشرح زیر اعلام نمودند:

- ۱- برسمیت شناخته شدن شورای کارگران بعنوان تنها مرجع صلاحیت دار جهت رسیدگی و گرفتن حقوق کارگران.
- ۲- انجام خواسته های که در اولین اعتصاب اعلام شده بود.
- ۳- با توجه به اقدامات رئیس اداره کار استان گیلان در جهت منافع کارفرمایان مصرا "خواستار برکنار شدن وی از مقامش

می باشیم.

۴- برای کلیه کارگران خواستار تهیه کانتین (سرویس غذاخوری) و سرویس جهت رفت و آمد کارگران هستیم.

۵- از کلیه خواسته های کارگران بیکار در رستوران سربازان حمایت کرده و مصرا "خواستار رسیدگی به وضع کارگران بیکار هستیم.

۶- تاریدن به خواسته های برحق خود در کارگاه تحصن اختیار کرده و از کلیه مقامات مسئول میخواهیم هر چه سریعتر به وضع کارگران رسیدگی نمایند.

از همه کارگران و زحماتشان و نیروهای انقلابی انتظار همکاری و حمایت داریم.

## اجتماع کارگران شرکت پوپ لین

رشت - حدود ۲۰۰ نفر از کارگران ساختمانی شرکت "پوپلین" بدنبال قول هائی که - قبلاً از جانب کمیته و استانداری آنها داده شده بود. اما آنها عمل نشده بود، در مقابل شرکت اجتماع نمودند. اما شرکت بخواسته های آنها توجهی ننمود و کل کارگران

با استانداری مراجعه کردند و از استانداری خواستند که در مقابل قول قبلی خود جوابگو باشد. استانداری هم جواب روشنی به کارگران نداد و قول داده کرد. با رئیس شرکت تماس بگیرد و در مورد خواسته های کارگران با او صحبت کند.

## شرکتهای نفتی آمریکائی را ملی کنید

کارگران و کارکنان شرکت نفت "لاوان" خواستار ملی شدن و خلع ید از چهار شرکت آمریکائی "سان اویل"، "یونیون اویل" "مورفی اویل" و "اتلانیکر پیچفیلد" شدند. آنها طی بیانیهای ضمن بررسی مبارزات گذشته کارگران صنعت نفت، تصمیم قاطع خود را مبنی بر تشکیل شورای کارگران و مقاومت در برابر کارشکنی های

عناصر ضد انقلابی اعلام داشتند.

## درگیری و مذاکرات

تهران - در پی درگیری و مذاکرات بین کارکنان شرکت تاسیسات و معدن تهران کمیکال وابسته به گروه صنعتی به شهرها کارفرما و وزارت کار خواسته های کارکنان به شرح زیر با وزیر کار و رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهر ری مطرح گردید:

الف - چند مورد از خواسته های ماده ای کارگران که با رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهری از طریق نمایندگان انتخابی کارکنان در میان گذاشته شده است:

- ۱- روزانه هشت ساعت کار در مجموع در هفته ۴۰ ساعت کار.
- ۲- پرداخت حق دوری راه به کارکنان روزانه سه ساعت با توجه به مسیر خانه تا شرکت که بطور متوسط سه ساعت وقت کارگر تلف می شود.

۳- رسیدگی به وضع کانتین، بویژه آنکه آب آشامیدنی باید آب سالم باشد.

۴- دادن حق مسکن و سود ویژه و حق اولاد و خواربار طبق قانون کار که در اینجا درست اجرا نمی شود.

۵- ایجاد درمانگاه و بخش اورژانس برای کمکهای اولیه به علت نداشتن دسترسی به دکتر و دوری راه.

۶- چون کارخانه در مجاورت معدن سولفات قرار دارد کارگران با در نظر گرفتن خطرات ناشی از کار در معدن و سی بودن مواد بایستی از مزایای خاص کار در معدن برخوردار باشند.

ب - طرحی که کارگران توسط دونفر از نمایندگان در ۲۰ فروردین ماه به وزیر کار

جناب وزیر کار اطلاع دارید که قانون کار در حال بررسی است. بعلمت نارسائیهای که در قانون کار وجود دارد مسائل زیر که از حساسیت خاصی برخوردار است عنوان می شود:

- ۱- تقلیل ۴۸ ساعت کار به ۴۰ ساعت با در نظر گرفتن قانون بین المللی کار و پیداشدن جای خالی برای کارگران بیکار و عملی شدن ۴۰ ساعت کار در اکثر کارگاهها و کارخانجات.

۲- حذف قوانین دست و پاگیر موجود در قانون کار قبلی، زیرا برنامهریزیهای کارگران در نظر گرفته نشده است و گفته اکثر مسئولین اداره کار باسیر انقلابی کشور مطابقت ندارد و تولید نارضایتی هائی نموده است و بهانه بدست ضد انقلابیون و کارفرمایان داده است.

## اخراج رئیس کارخانه چینی سازی پارس

ودارای سوابق ضد کارگری است. شورادر این باره با مدیر عامل شرکت صحبت کرد و تصمیم گرفت که از روز دوشنبه بیست و پنجم فروردین از "رود" وی بکارخانه جلوگیری شود.

# از رئالیسم اولیه تا رئالیسم انتقادی

همچنان که از نام "رئالیسم" یا "واقفرائی" پیداست، به واقعیت زندگی و جامعه توجه دارد و در نتیجه تغییراتی هم که در آن ایجاد میشود متناسب با تغییرات جامعه است. اگر ما بخواهیم مراحل مختلف تکامل رئالیسم را بررسی کنیم، باید ببینیم جامعه چه تغییراتی کرده است.

ما پیش از این گفتیم که رئالیسم، یادرواقع مقدمه و پیش در آمد آن، موقعی پیداشد که بورژوازی ( سرمایه داری ) در درون روابط فئودالی شروع به رشد کرده بود. تکامل بعدی رئالیسم هم در رابطه با تکامل بورژوازی بود. در آن مراحل اولیه، بورژوازی در مقابل فئودالیسم قرار داشت و میخواست قید و بندهای پوسیده دست و پاگیر اشراف فئودال و زمینداران را از سر راه خود بردارد. به همین علت، بورژوازی در آن مرحله حالت مترقی و انقلابی داشت و میخواست به رشد و تکامل جامعه کمک کند تا منافع خودش بهتر تامین شود. به دودلیل عمده ضرورت داشت که بورژوازی از پیشرفت علوم و افکار نو مترقی حمایت کند:

اول برای آنکه پیشرفت علوم بمعنای پیشرفت تکنیک و صنعت بود و به رشد سرمایه داری کمک میکرد، دوم برای آنکه از طریق مبارزه با خرافات و حمایت از افکار نو میتوانست قدرت کلیسار که حامی سرسخت اشراف زمیندار و رسوم خرافی بود و بطور کلی قدرت فئودالیسم را تضعیف کند. به این ترتیب بورژوازی پرچمدار آزادی خواهی و نوجوئی و تجدد طلبی شد. از بین شعارهای انقلاب کبیر فرانسه یعنی " آزادی - برابری - برادری "، بورژوازی بیشتر از همه سنگ " آزادی " را به سینه میزد. ولی مفهومی که بورژوازی از " آزادی " در نظر داشت، آزادی استثمار کارگران بود، یعنی اینکه قید و بندهای پوسیده فئودالی از بین برود و سرمایه دار برای استثمار کارگران آزادی کامل داشته باشد. البته در آن مراحل اولیه هنوز کسی دقیقاً ماهیت بورژوازی را نمی شناخت و این چیزها را نمیدانست.

حالا باید دید هنر و ادبیات رئالیستی اولیه چطور تحول و تکامل پیدا کرد. در ابتدا معایب و فساد فئودالیسم در آثار ادبی نشان داده میشد و تضاد میان بورژوازی و فئودالیسم مورد بررسی قرار میگرفت. هنرمندان رئالیست که به واقعیت های جامعه توجه داشتند از همان ابتدا درک میکردند که اشراف فئودال محکوم به زوال هستند ولی در عین حال بورژوازی را هم بطور کامل تا به یقین نمیکردند. یک فرد بورژوازمولاً بصورت فردی تازه بدون رسیده و بی اصل و نسب و بی فرهنگ تصویر میشد که فقط به سود و منفعت خودش فکر میکرد. اما او افکار نو و آزادی خواهانه و همچنین انرژی و پشتکاری داشت که سبب میشد از اشراف باصل و نسب و " بنا فرهنگ " جلوگیری کند چون آنها دوستی به افکار و سنت های قدیمی چسبیده بودند و با هر نوع تغییری مخالفت میکردند. آنها دیگر حسابی پیرو فرسوده شده بودند و منتظر ساعت مرگ خود بودند که به موزه تاریخ منتقل شوند.

در دوران رئالیسم اولیه، هنرمندان کلا " به آینده خوشبین بودند و اگر هم عیب و نقی در جامعه میدیدند آن را به ناقص بودن انسان و نفس طبیعت و سرشت او نسبت میدادند و فکر میکردند کافی است که تک انسان ها خودشان را اصلاح کنند تا جامعه هم اصلاح شود. به همین علت آثار رئالیستی غالباً " جنبه " آموزشی و پند و اندرز داشت و هنرمندان میخواستند با پیش کشیدن بحث های اخلاقی به اصلاح افراد و در نتیجه به اصلاح جامعه کمک کنند. آنها هم شعارهای آزادی خواهانه، بورژوازی را تکرار میکردند و خواستار آزادی کامل برای انسانها بودند.

مدت زیادی طول کشید تا در حدود ۲۰ سال قبل ماهیت واقعی بورژوازی و شعارهای فریبنده آن کم روشن شد. این در زمان انقلاب کبیر فرانسه بود، یعنی موقعی که بورژوازی فرانسه بالاخره توانسته بود بر فئودالیسم پوسیده آن کشور غلبه کند. در آن موقع داشت کم کم معلوم میشد که منظور از آزادی اینست که سرمایه دار بتواند آزادانه کارگر را استثمار کند. در همان انقلاب کبیر فرانسه عده ای بودند که آزادی واقعی انسانها و برابری کامل آنها را میخواستند، اما هرچنان بورژوازی که فقط آزادی استثمار کارگران را برایشان معنا داشت این افراد انقلابی را به گیوتین سپردند و اعدام کردند. در کشورهای دیگر هم قبل و بعد از فرانسه همین مراحل سپری شده بود. در همه جا کارگاههای کوچک بسرعت به کارخانه های بزرگ تبدیل میشد و بردگی جدیدی در کارخانه ها به کارگران تحمیل میشد که هیچ دست کمی از بردگی هزاران سال پیش نداشت.

این تغییر شرایط جامعه اثر زیادی در تکامل رئالیسم داشت. هنرمندانی که قبلاً " معایب جامعه را نتیجه " نقص طبیعت انسان می دانستند، حالا این سؤال برایشان پیش آمد که نکنند برعکس باشد، یعنی عیب و نقص افراد بخاطر این باشد که خود جامعه معایب و نقایصی دارد؟

آن خوش بینی زیاد نسبت به آینده و نسبت به اصلاح پذیری انسان ناگهان از بین رفت. نتیجه اش هم این شد که عده زیادی از هنرمندان بکلی سرخورده و مأیوس شدند و از جامعه بریدند. آنها در آثارشان به واقعیت پشت کردند و به احساسات خود و عوالم ذهنی خود و گل و بلبل و افسانه و اسطوره پناه بردند.

اما هنرمندانی که رئالیست باقی ماندند نتوانستند حتی از این توجه به احساسات و توصیف زندگی روحی و درونی شخصیت ها هم که در آثار دیگران وجود داشت، استفاده کنند. آنها نتوانستند قهرمانان آثار خود را از آن حالت خشک و بیروح قبلی بیرون بیاورند و رئالیسم با زهم تکامل بیشتری پیدا کرد.

از زمانی که بورژوازی بر فئودالیسم غلبه کرد و روابط سرمایه داری بر جامعه حاکم شد، رئالیسم هم وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. حالا دیگر ضعف ها و معایب بورژوازی آشکار شده بود و در آثار رئالیستی هم عمدتاً از بورژوازی و روابط غیر انسانی جدیدی که به همراه خودش آورده بود انتقاد میشد. رئالیسم این دوره را " رئالیسم انتقادی " نامیده اند که مادر شماره، بعد در باره آن صحبت خواهیم کرد. تا اینجا مراحل تکامل رئالیسم برای ما روشن شد: رئالیسم اولیه، پیش از استقرار سرمایه داری بود و رئالیسم انتقادی، پس از آن. ( البته این نام ها نباید مارا به اشتباه بیندازد و فکر کنیم که در رئالیسم اولیه، انتقاد وجود نداشته است. رئالیسم اولیه هم، همانطور که گفتیم، پیش در آمد همین رئالیسم انتقادی بود.

و اما در ایران، در زمان مشروطه که بورژوازی و رئالیسم داشتند در کنار هم رشد میکردند، هنر و ادبیات ما هم مثل خود جامعه وضع بسیار آشفته ای داشت: بورژوازی ماتجاری بود و در قسمت تولیدات صنعتی و کارخانه ها رشد چندانی نکرده بود به همین علت طبقه کارگر هم خیلی ضعیف و محدود بود. بورژوازی مادر آن موقع فقط میخواست با شرکت در حکومت و گرفتن مجلس و گذراندن قوانینی به نفع خودش، آزادانه تر به کسب و کارش برسد، و گرنه آنقدر قدرت نداشت که مثل زمان انقلاب کبیر فرانسه بخواهد اقتصاد کشور را هم بدست بگیرد و تغییر بدهد. بنابراین اگر بخواهیم با اروپا مقایسه کنیم، هنر و ادبیات ما باید در حد رئالیسم اولیه یا حتی از آن هم عقب تر می بود. البته از نظر ارزش هنری و ادبی واقعاً " هم اینطور بود. اما در آن زمان افکار نو مترقی از طریق اروپا و بخصوص از طریق کارگران ایرانی که در قفقاز بودند به ایران منتقل میشد. در نتیجه هنر و ادبیات مادر آن دوره گاهی به بیجه کوچکی شبیه بود که میخواست حرف های گنده تر از دهان خودش بزند. یعنی از نظر ارزش ادبی در سطح خیلی پائینی بود اما از نظر مضمون و محتوا، مسائلی در آن مطرح میشد که گاهی در حد رئالیسم انتقادی بود و گاهی حتی رگ های سوسیالیستی در آنها دیده میشد. این در واقع تا به ندرت عامل خارجی یعنی اروپا و قفقاز بود و چیزی نبود که با واقعیت جامعه مادر آن زمان تناسب چندانی نداشت.

به علت اینکه در شرایط ایران زمینه پذیرش این افکار هنوز وجود نداشت، طبعاً " خوب درک و هضم نمیشدند. افکار مختلف و متناقض و رنگارنگ در کنار هم حتی در آثار یک فرد واحد در آن دوره دیده میشد. مثلاً " ایرج میرزا و ملک الشعراء بهار فقط آدمهای آزادی خواه و لیبرالی بودند اما گاهی در اشعار خود از زحمت کشان و رنجبران هم هواداری کرده اند طبعاً این هواداری از روی احساسات نوع دوستی بوده است و تا به ندرت افکار مترقی ایرانیان قفقاز را میتوان در آنها دید. به عنوان مثال ایرج میرزا شعری دارد به نام " کارگر و کارفرما " که البته وقتی آنرا میخوانیم می بینیم اولاً " تصویری که از یک کارگر در ذهن داشته همان تصویر رعیت یا دهقانی است که بیل میزند و نهال می کارد، ثانیاً " در این شعر فقط به کارفرما نصیحت میکند که از روی کبر و غرور و خود خواهی به کارگر نگاه نکند. انگار اگر ما مهربانی کسی را استثمار کنند، اشکالی ندارد.

یکی از خصوصیات مهم ادبیات دوران مشروطه، مبارزه با خرافات و افکار کهنه و قدیمی است. از این نظر ادبیات مشروطه به رئالیسم اولیه شباهت پیدا میکند. حتماً " شعر ملک الشعراء بهار در وصف " جهنم " یا انتقادات ایرج میرزا از حجاب زن ها و قمه زدن و مزاداری و غیره را به یاد دارید. البته بهار و ایرج را در مجموع نمی توان از اشعار رئالیست و مردمی و مترقی آن دوره دانست. ما نویسندگان و شاعران مترقی تر و مردمی تر هم داشته ایم که در شماره بعد ضمن صحبت در باره " رئالیسم انتقادی " ( یعنی مرحله تکامل تر رئالیسم اولیه ) از آن یاد خواهیم کرد.



## هیئات است!

کارگر، ای شرف نوع بشر، کارز تست، ولیکن چه شمر؟  
می برد حاصل کارت را دزد می دهد یک دو سه شاهی به تو مزد این نه مزد است، برادر! صدقه ست مزد در جامعه بی طبقه ست که نه مزدور و نه مزدی دارد نه ستم دیده، نه دزدی دارد کار هر کسی بود از آن همه سر هر سفره بود نان همه لیکن امروز به امر زر و زور شده ای برده، یک مشت ستور از تو باشد شرف و همت و کار دزد بیکاره شود بر تو سوار در همین جنبش یک سال اخیر تو شکستی کمر آن بی پیر همت کارگر صنعت نفت گزنی بود، پدرسگ می رفت؟ جنگ و جانبازی و بیگار، تمام بود کارتو در آن روز قیام ولی امروز، پس از پیروزی چیست سهم تو؟ همان دیروزی انقلاب و تب و تاب و تک و دو باز روز از نو و روزی از نو با زهم حق طلبی، بی وطنی است پاسخ حق طلبان تودهنی است گاز اشک آور و نارنجک و تیر بود بهتر ز چماق تکبیر حال هر چیزی که گوئی، گویند: " کفر و طاغوتی و زشت است و چرند وقت سازندگی است آقایان باید این توطئه باید پایان " هر که حرفی بزند، ساواکی است حرف حق زشت تر از هتاکی است اصلاً " انگار نه انگار که شاه رفت و طی شده آن روز سیاه گرچه آن رذل، فلنگش را بست کارفرما که بجای خود هست! کرده همنستگی اش را اعلام شده عاشق به اصول اسلام سنگ اسلام زند بر سینه تا که افزون بکند نقدینه کفر خوانده همه افکار ترا تا بدزدد شر کار ترا شده کارتو فقط جان کندن شکم مفتخوران آکندن پیچ را می شل و محکم کردن اغنیار خوش و خرم کردن زنبه را بر گچ و آجر کردن جیب هر بی پدری پر کردن \* \* \* تا که سرمایه چنین بر تخت است کارگرنیز چنین بدبخت است وضع او خوب شود؟ هیئات است تا که بی " وحدت و تشکیلات " است. ۵۸ / ۱ / ۱۵

از: ن. رضوان (کارگر معدن)

کمی که کین  
کک کن ای رفیق راه مردی  
که سرخی ره نگیرد سوی زردی  
کک کن تا تنگم را بگیرم  
در آغوش تنگم خود بگیرم  
ز خونم گل بروید دامن کوه...



# گزارشی در مورد مبارزات اخیر کارگران بیکار اصفهان

بقیه از صفحه اول

کارگران خواستهای برحق و منطقی خود را در ۹ ماده تهیه کرده اند و آنرا در اختیار مقامات مسئول از جمله وزیر کار گذاشتند. خواستهای آنها عبارت بود از به رسمیت شناختن شورای کارگران بیکار، عدم جلوگیری از اجتماعات کارگران، دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده، تغییر قوانین فعلی کار و تصویب قوانین جدید با نظر نمایندگان واقعی کارگران، آزادی اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات، اخراج سرمایه داران و کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها به نفع کارگران، ۴۰ ساعت کار در هفته، و مخالفت با کلیه شرایط و ضوابط "وام کارگران بیکار".

کارگران بیکار برای اینکه همه مردم ما از خواستهای به حق آنها آگاه باشند طی اعلامیه ای در تاریخ ۲۹ اسفند خواستهای خود را به اطلاع عموم مردم رسانیدند. در این اعلامیه از جمله چنین نوشته شده است: "در هفته گذشته خواستهای خود را در ۹ ماده به عرض آقای فروهر وزیر کار و امور اجتماعی رساندیم. اکنون که ۱ هفته از آن زمان می گذرد، هیچگونه توجهی به مسئله کار ما کارگران بیکار نشده و هیچگونه اقدام قاطعی در این مورد صورت نگرفته است."

در این اعلامیه گفته شده است که ما تا روز شنبه فروردین به مسئولین دولتی فرصت داده ایم و چنانچه به خواستهای ما رسیدگی نشود، برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود به راههای دیگری متوسل خواهیم شد اما متأسفانه هیچگونه اقدامی برای پاسخگویی به خواستهای کارگران از جانب دولت صورت نگرفت. بنابراین در ششم فروردین حدود هفت هزار نفر از کارگران بیکار اصفهان دست به راهپیمایی زدند. بر روی پلاکاردهائی که آنها با خود حمل میکردند این عبارات جلب توجه می کرد: "باز انقلاب بردوش زحمتکشان بود ولی ثمره آن به دیگران رسید." "ما خواهان نان، کار، مسکن و آزادی هستیم." "در مسیر راهپیمایی عده ای بی خبر از مشکلات و درد و رنج کارگران، به این بهانه که اینکار دسیسه خارجی و ضدانقلابی است، سعی در از هم پاشیدن راهپیمایی کارگران داشتند و حتی رادیو تلویزیون نیز کارگران را اغتشاش طلب خواند."

آیا برآستی کارگزارانی که همه در مورد نقش عظیم آنها در مبارزات اخیر متفق القولند، ضدانقلابی و اغتشاش طلب هستند؟ آیا میتوان با برجسب های کذائی صدای کارگر را خفه کرد؟ اگر چنین شیوه هائوسی موثر بود، رژیم گذشته چنین بی حیثیتی و بی آبرویی نکرده بود. کسانیکه این چنین برجسبهای رذیلانه ای به کارگران می زنند یا افرادی هستند که ناآگاهانه تحت تاثیر دشمنان خلق قرار گرفته اند و سرمایه داران وابسته و عوامل امپریالیسم اند که به پیشرفت و ترقی جامعه ما علاقه ای ندارند.

کارگران انقلابی ترین طبقه هستند و پیشرفت آینده جامعه ما نیز با نیروی بازوان آنها امکان پذیر است. در حین همین راهپیمایی و اعتراضات متعدد کارگران در کارخانه ها و شهرهای دیگر شاهد بوده ایم که عده ای از عناصر ناآگاه با شعارهای "مرگ کمونیست" به کارگران حمله کردند. اما ببینیم کمونیستها چه می گویند که به محض اینکه کارگران در جهت احقاق حقوق خود اقدام می کنند، عده ای به مقابله با آنها با برمی خیزند. کمونیستها از منافع زحمتکشان، بخصوص کارگران و دهقانان دفاع می کنند، کمونیستها مخالف هرگونه استثمار انسان از انسان هستند و مستعدند که سرمایه داران کارگران را استثمار می کنند. بنابراین این بسید التی و بسیاری از بیعدالتیهای دیگر جامعه باید از بین بروند. باید ریشه های بیکاری را برکنند. کارگران که تولید کنندگان اصلی جامعه هستند باید همراه با دهقانان و زحمتکشان دیگر اداره امور مملکت را در دست داشته باشند و شرانگله مفت خورها از سر مردم کم کنند. سرمایه داران و امپریالیسم همیشه سعی می کنند که از ناآگاهی عده ای استفاده کنند و آنها را بر علیه کمونیستها که در واقع اتهام آنها دفاع از منافع زحمتکشان است بسیج کنند. بنابراین طرح شعارهای ضد کمونیستی و ضد کارگری ناشی از ترس و وحشت امپریالیسم و سرمایه داران است که می ترسند منافعی که به خطر بیفتد و کارگران دیگر اجازه ندهند که مثل زالو خون آنها را بسکند و روز بروز ثروت مندتر شوند.

به هر حال راهپیمایی کارگران بیکار اصفهان آنروز نیز با وعده های مکرر پایان یافت. روز ۱۵ فروردین مذاکرات تازه ای بین نمایندگان کارگران و آقای مصحف معاون استاندار صورت گرفت. معاون استاندار به نمایندگان کارگران گفت اگر با زهم دست به راهپیمایی بزنید شما را نیز مانند سنج سربوب خواهیم کرد. چنین بنظر می رسد که از قبیل نقشه هائوسی برای سرکوب کارگران طرح ریزی شده است. در همان روز تعدادی از کارگران توسط کمیته بازداشت شدند. عکس العمل فوری کارگران بیکار این بود که طی اعلامیه ای از همه کارگران و زحمتکشان خواستند از خواستهای آنها پشتیبانی کنند. این درس بسیار مهمی برای کارگران بود. زیرا که سیر پیشرفت مبارزه، کارگران را یکبار دیگر به این نتیجه رسانید که از کارگران و زحمتکشان بخوانند تا آنها پشتیبان کنند. چون دردهای همه آنان یکی است و بیکاری مسئله

همه کارگران است، بنابراین بیکارچی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست.

کارگران در اعلامیه ای از دولت خواستند که دوستان کارگر آنها هر چه سریعتر آزاد شوند، آزادی اجتماعات کارگری تضمین شود و به خواستهای قبلی سرپا رسیدگی شود. اما دولت پاسخ مثبتی به آنها نداد. روز هجدهم فروردین بیش از ده هزار کارگر بیکار اصفهان مجدداً در خانه کارگر جمع شدند و قرار شد که مهندس "مصحف" برای مذاکره با کارگران به خانه کارگر بیاید. لیکن نامبرده در موعد مقرر حاضر نشد و کارگران که خشمگین و عصبانی شده بودند تصمیم به راهپیمایی و تظاهرات و بالاخره تحصن گرفتند. هنگام تحصن مهندس "مصحف" به اتفاق یک روحانی بنام "آزه ای" به محل تحصن آمدند و با زدن برجسب ضد انقلابی قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران نیز که از وعده های افراد نامبرده و توهین های آنها به خشم آمده بودند با فریادهای "ضدانقلابی خودت هستی" به آنها پاسخ دندان شکنی دادند. در این میان عده ای از افراد کمیته قصد داشتند که با تحریکات خود با عیشت درگیری شوند، اما کارگران با هوشیاری عمل آنها را خنثی کردند و مجدداً شروع به راهپیمایی نمودند. ولی عده ای از عناصر مغرض و مرتجع در شهر شایع کردند که کارگران قصد حمله به ژاندارمری و شهربانی را دارند. در نزدیکی خیابان استانداری عده ای از افراد کمیته به صفوف کارگران حمله ور شدند و به روی کارگران آتش گشودند. بر طبق پاره ای گزارشات پنج نفر و آنطور که دقیقاً مشخص شده است یک نفر به نام ناصر توفیقپان شهید و هشت الی پانزده نفر زخمی و سیصد نفر از کارگران بازداشت شدند.

توطئه ننگینی که بر علیه کارگران صورت گرفت، بیکار دیگری ثابت می کند که عناصر ضد کارگری دست اندر کار ایجاد تفرقه و حمله به نیروهای مترقی هستند. آنها تکیه به ظاهر خود را انسان دوست نشان میدهند، چگونه به خود اجازه می دهند که به کثیف ترین روشها برای سرکوب کارگران متوسل شوند. خلق ما باید در مقابل این چنین رویدادهائی هوشیار باشد. سرکوب امروز کارگران سرکوب همه خلق را بدنبال خواهد داشت. تنها ایستادگی مردم است که می تواند از هم اکنون راه را بر کسانیکه می خواهند با زور اسلحه صدای مردم را خفه کنند، ببندد. کارگران بیکار اصفهان پس از وقایع خونین ۱۸ فروردین این هشدار را به مردم ایران دادند. آنها سؤال می کنند که چرا هنگامیکه عده ای با چوب و چاقو و عده ای مسلح به تفنگ به کارگران حمله کردند و کارگران از سرهنگ "شریف" که در آنجا حاضر بود خواستند که جلوی این افراد را بگیرد، او هیچگونه اقدامی انجام نداد. آیا این خود بیانگر یک توطئه سرکوب بر علیه کارگران نبود؟ یکی از کارگرانی که در شب هجدهم فروردین بازداشت شده بود، به بازگو کردن حقایق می پردازد که شنیدن آن برای همه مردم مادری آموزنده است. نحوه برخورد با کارگران بقدری زنده بود که قابل تصور نیست. این کارگر راه کمیته بردند و با چشمان بسته تحت بازجویی قرار دادند. هنگامیکه او بی شیه برخورد آنها اعتراض نمود، به وی توهین کردند. در کمیته سعی می کردند که کارگران بقبولانند که چریکهای فدائی خلق از درون کارگران به آنها شلیک کرده اند اما کارگرانی که خود ناظر جریان واقعه بودند، نه تنها این دروغ پردازی را باور نکردند، بلکه شدیداً این اتهام را رد کردند. توسل به چنین شیوه هائی جز اینکه مشت دروغ پردازان و مغرضان را باز کند برای آنها ثمره ای نخواهد داشت. سئوالاتی که در کمیته از کارگران شده بود نظیر اینکه به چه گروهی وابسته هستید؟ چه عقیده ای راجع به انقلاب اسلامی دارید بیشتر انسان را به یاد صحنه های دردناک گذشته می اندازد. به راستی که از طرح این سئوالات بوی تفتیش عقاید می آید. کارگران بیکار اصفهان، مهندس "مصحف" معاون استاندار، پرو و رشو... را مسببین اصلی واقعه خونین ۱۸ فروردین می دانند و خواستار محاکمه و مجازات شدید آنها هستند.

در قطعه نامه کارگران بیکار اصفهان که بدنبال وقایع ۱۸ فروردین تنظیم شده از جمله به خواستهای زیر اشاره شده است:

- ۱- محاکمه و مجازات عاملین و مسببین کشتار روز هجدهم فروردین در حضور کارگران انجام گیرد.
- ۲- آزادی همه دوستان ما بدون قید و شرط و با معذرت خواهی از آنها.
- ۳- دولت باید امنیت اجتماعات ما کارگران را فراهم سازد.
- ۴- برآورده شدن خواسته های زفاهی که در قطعه نامه های قبلی ذکر شده است.

بالاخره پس از اینهمه وعده و وعید، درگیری، راهپیمایی، تظاهرات تحصن، بازداشت و به تسلول بستن کارگران، سرانجام مسئولین امور قول دادند که هر هفته چند نفر از کارگران را به سرکار بازگردانند. با زهم باید دید آکه خواستهای کارگران برآورده خواهد شد یا نه؟

## اول ماه مه...

بقیه از صفحه اول

اما تاریخ جنبش های عظیم کارگری در سراسر جهان نشان می دهد که نه نیرنگ و دسیسه و توطئه چینی و نه سرکوبی و وحشیانه کارگران، هیچ کدام نتوانسته اند جلوی رشد طوفان زای نیروی عظیم کارگران را بگیرند و مانعی در راه تشکیل و اتحاد و بیکارچی و مبارزات قهرمانانه کارگران ایجاد کنند. کارگران سراسر جهان همواره با برگزاری پرشکوه روز اول ماه مه با یکدیگر برای سرنگونی نظام ظالمانه سرمایه داری تجدید عهد کرده اند و هر بار با نیروی بیشتر به مبارزه علیه آن برخاسته اند.

در کشور ما ایران، جشن اول ماه مه تاریخچه خاصی دارد. ده سال حکومت اختناق و ترور که طی آن کوچکترین حرکت کارگری با کلوله پاسخ داده می شد و هیچ گونه امکان تشکیل واقعی به کارگران داده نمی شد سبب شده که روز اول ماه مه حتی برای اکثر کارگران ما ناشناخته باقی بماند. کارگری که از حق حیات و زندگی هم محروم بود طبعاً آنچنان بخاطر ابتدائی ترین احتیاجات زندگی خود تحت فشار بود که نمی توانست در اندیشه اتحاد کارگران سراسر جهان و روز اول ماه مه باشد.

جشن اول ماه مه در ایران برای نخستین بار در سال ۱۲۹۹ برگزار شد. در این سال به ابتکار "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت. این تظاهرات وسیع نشانه رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکائی ایران بود. بین سالهای ۱۳۰۰-۱۳۲۰ که دوران خفقان رضاخانی بود، کارگران ایران جشن روز کارگر را غالباً بطور مخفی برگزار می کردند. اتحادیه های مخفی کارگران مانند اتحادیه بر قدرت کارگران صنعت نفت جنوب، مبارزات و اعتصاب بات گسترده کارگران راهبردی می کردند. اما از سال ۱۳۲۰ به بعد که مبارزات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری پیدا کرده بود مراسم اول ماه مه هم بطور علنی برگزار می شد.

در سال ۱۳۲۵ در اثر اعتصاب ۱۵ هزار نفری کارگران نفت آغاچاری که دیگر کارگران نفت هم از آنها حمایت کردند، دولت و ادار به تسلیم شد و خواستهای کارگران راه ظاهر پذیرفت. این خواستها عبارت بودند از اجرای قانون ۸ ساعت کار روزانه، تعیین حداقل دستمزد و قبول تعطیل اول ماه مه بعنوان جشن کارگری اما دولت هرگز به تعهد خود عمل نکرد و تعطیل روز کارگر راهپیمایی به رسمیت شناخت.

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به جنبش کارگری و سندیکائی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد. رهبری جنبش بخاطر خصلت دنباله روی و سیاست های ضد کارگری و ضد انقلابی خود نتوانست از تشکیل و قدرت جنبش کارگری استفاده کند. جنبش به بیراهه کشیده شد و پیروزی طبقه کارگر ده سال به تاخیر افتاد. از آن بعد دیگر جشن روز کارگر نه بصورت سراسری و علنی بلکه بصورت پراکنده و مخفی در کارگاهها و کارخانه ها برگزار شد.

از اواسط دهه ۴۰ به بعد، سندیکاهای مترقی مانند سندیکای فلزکار مکانیک و بافنده سوزنی و غیره، این روز را با قاطعیت تمام جشن می گرفتند. در آن سال های اختناق و سرکوب، در شب اول ماه مه اعضا گروه کوهنوردی سندیکای فلز کار مکانیک به سرپرستی رفقای کارگر شهید، اسکندر صادقی نژاد و جلیل انفران، آتش بلندی بر فراز قله توچال می افروختند. آتشی که مظهر التهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر ایران بود. آتشی که در حقیقت انعکاس خشم فروخورده توده بود، که از درون پشاهنگ زبانه می کشید و نوید انقلاب را می داد.

از سال ۴۸ در اثر مبارزات بی گیر کارگران، اول ماه مه بعنوان روز کارگر به رسمیت شناخته شد. اما رژیم بقیه در صفحه ۷

### دهقانان زمین خود را پس گرفتند

تبریز نزدیک هفت سال پیش، شخصی حق مالکیتی بر زمینهای منطقه ندارد، بنام قربان ساکن تبریز، منطقه ای به نام "قتلای خسر" در یک کیلومتری اسکورا که بنا به سند و قبایله در اختیار اهالی و دهقانان دهکده مزبور بود، با پرداخت رشوه به رئیس پاسگاه وقت (حسینی پور) تصرف کرد. اعتراض اهالی "خسر" که ۲۵۰ خانوار را تشکیل می دهند، طی این هفت سال تنها منجر به دستگیری وزندانی شدن حدود ۸۰ نفر از آنها شده است. اهالی خسر، بدنبال هفت سال تلاش، مبارزه و ناکامی سرانجام در تاریخ ۳ فروردین امسال اقدام به دستگیری و محاکمه علنی قربان زمینخوار کرده و پس از اثبات اینکه وی هیچگونه

### خواستهای کشاورزان و دامداران و سایر کشاورزان تمگران و فیروز آباد و منوجان جیرفت

انقلاب چیزی جز فریاد زحمتکشان بر علیه مستکمران و حاصل آن چیزی جز بر آوردن نیازهای زحمتکشان نیست. زندگی ما زحمتکشان خود انقلاب است چرا که این نیروی بازوی ما زحمتکشان است که همه چیز با وجود میاوردن این حاصل دسترنج ما است که همیشه مورد غارت اربابان، زورگویان و دلالان و ما مورین قرار می گرفته است. ما زحمتکشان همواره عرق میربخشیم و دستهایمان پینه می بست ولی زندگی ما هر روز ترازو رو پیش می شد، چرا که حاصل پینه دستمان و چروک صورتمان و رنگ زرد زن و فرزندمان بوسیله گروهی زورگو، دلال و بطور کلی رژیم استبدادی محمد رضا شاه که حامی این دزدان بود غارت میشد و این غارتگران بی کاروبی عا ره روز گردن کلفت تر و ظالم تر می شدند. نظریه اینکه دولت انقلابی خود را حامی

### حمله زمینداران بزرگ به روستائیان

آستارا - عظیم آقا جانی، پسر آقا جانی اومی شود. معروف از خانهای قدیمی آستارا با جمع آوری عده ای از افراد خود به روستائیان حمله مسلحانه کرده و زمینهای راکه تقسیم اراضی شده بود به زور می گیرند آقا جانی سپس خود کمیته انقلاب تشکیل می دهد و اصغر اسماعیلی معروف به اصغر اسلامی که از اعمال ساواک و ضد اطلاعات نیروی هوایی بوده معاون

### روستا نشینان طایفه نمدی

فارس - کشاورزان، دامداران، معلمان دانش آموزان و دانشجویان طایفه نمدی ایل قشقایی مراکز روستا نشینان با کمال، خیر آباد، برزگان، خورباچون چاه ترکمان طی نامه ای به ریاست

### خواستهای زارعین قریه حسین آباد

کرمان - زارعین قریه حسین آباد از توابع شهرستان کرمان طی قطعنامه ای خواستهای خود را در ۱۰ ماده مطرح کردند. مهمترین این خواستها عبارتند از:

### خواستهای ماکارگران، کلتک های

### کارفرما و سهل انگاری شورا

گروهی از کارگران کارخانه جنرال موتورز ضمن نارضایتی از کار شورای کارخانه و اعتراض به اینکه چرا شورا تشکیل جلسه نمی دهد و نمی گذاردند کارگران حرفهایشان را بزنند و خواستهایشان را مطرح سازند، طی نامه ای اعلام داشتند:

بطوریکه برای ما ثابت و مسلم شده است شورای موقت با اینکه از طرف خود ماکارگران انتخاب شده اند و سودگند و وفاداری خود را در آنکده از حقوق حقه ما دفاع کنند، برعکس می بینیم آن جنب و جوش لازم برای دفاع از حقوق کارگر را ندارند و پانمی توانند در برابر ایده های روسای کارفرما با اعضاء سندیکای سابق مقاومت کنند. با اینکه از قانون کارگری اطلاع دقیقی ندارند، کارگران کارخانه جنرال موتورز ضمن ارسال این نامه خواستهای برحق خود را بر شمرند که مهمترین آنها به شرح زیر است:

- ۱- می خواهیم بدانیم چرا ما به التفاوت سود امسال را تا کنون برر سی نکرده در صورتیکه طبق اعلامیه خودشان سود امسال بیش از سال گذشته بوده است. ماکارگران خواستار مابقی سود سال گذشته هستیم.
- ۲- ۴۰ ساعت کار در هفته با در نظر گرفتن وقت رفت و برگشت.
- ۳- هفته ای یکبار بعد از ظهرها برای تجمع کارگران در بحث آزاد بمنظور بالا بردن سطح آگاهی وقت بدهند، چیزیکه در زمان گذشته کارفرما ما را به این تجمع نبود.
- ۴- بهبود وضع غذا.
- ۵- ما خواستار نظارت مستقیم بر تولید کارخانه هستیم و می خواهیم بدانیم یک ماشین ساخته شده چقدر خرج بر میدارد و چقدر سود دارد که بیشتر از این فریب نخوریم.
- ۶- ما حق داریم هر نماینده ای را که برای ماکارگران قدم برنمیدارد برکنار کنیم.

### حمله بجلسه سخنرانی

سناری - هفته گذشته عده ای که یکی از آنها کلت همراه داشته به یک جلسه سخنرانی در مدرسه عالی بهداشت دخترانه ساری حمله کردند و با کتک زدن حاضرین جلسه را برهم می زنند بدنبال این واقعه، یکی از جوانان مضررب جهت شکایت به کمیته امام مراجعه می کند ولی آنها جواب می دهند که کاری از دستشان ساخته نیست.

### راهپیمانی کارگران بیکار

کرمانشاه - روز جمعه ۱۷ فروردین گروهی از کارگران بیکار کرمانشاه تا محل استانداری دست به راهپیمایی زدند و کارگران خواستار کار و کمک مالی بودند. بعد از این تظاهرات، در روز شنبه کمیته امام ۶ نفر از کارگران مزبور را به اتهام اخلاکگری و تحریک به انجام تظاهرات دستگیر کرد.

### قطعنامه کارگران بیکار بندر عباس

اکنون که بیش از یکماه از قیام پرشکوه ما به رهبری امام خمینی می گذرد، به همه مردم ایران و جهان مسلم شده است که ماکارگران نیروی اصلی تولید و تعیین کننده انقلاب بوده ایم و هنوز هم هستیم. با وجود پیروزی بر رژیم مغفوری پهلوی و عقب نشینی پشتیبان غارتگر خارجیش، متأسفانه از حداقل ثمرات انقلاب خود بی بهره مانده ایم، چرا که نه تنها مشاغل خود را از دست داده ایم بلکه حتی از سرکردن شک خودمان وزن و بچه مان نیز ناتوانیم و بعلت همین وضع است که به اداره کار مراجعه و خواستار به کار گماردن ما و مطرح پیشنهادی تاسیس صندوقی به نام "صندوق حق بیکاری" شده ایم. این دو خواست اساسی و ضروری ما کارگران می باشد و بدین خاطر اکنون در این محل جمع شده ایم. امیدواریم که مسئولین امر با خواستهای به حق ما موافقت کرده تا مجبور به تحسین و اعتصاب غذا نشویم. به خواستهای مطرح در زیر طی مدتی کافی ترتیب اثر دهید.

۱- تعیین و تامین محل جهت

۲- ایجاد کار جهت کلیه کارگران بیکار و اخراجی.

۳- تشکیل "صندوق حق بیکاری" جهت کارگران بیکار برای تامین مخارج زندگی تا اشتغال بکار و دریافت حقوق.

۴- اخراج کلیه کارکنان خارجی در هر یک از مقام.

۵- تامین پزشک و داروی مجانی برای کلیه کارگران و خانواده تحت تکفل آنها.

۶- ماکارگران هرگونه تصمیم راکه به تأیید مأموران پانرس هرگز نخواهیم پذیرفت.

۷- ما خواستار لغو کلیه قوانین ضد کارگری رژیم منحط پهلوی هستیم.

"هیچ مالی اندوخته نمی شود مگر که در کنار آن حق گروهی ضایع شده باشد" (نهج البلاغه)

ما زمانی میتوانیم نان بگیریم که کار داشته باشیم.

کارگران بیکار بندر عباس

### کارخانه نورد ولوله اهواز

اهواز - کارخانه نورد ولوله اهواز که متعلق به عناصر متواری رژیم سابق بوده است توسط یک کمیته ۵ نفره اداره میشود. کارگران پس از قیام، هفت نفر از عوامل رژیم سابق از جمله رئیس و معاون کارخانه را اخراج کردند. اکنون دو ماه است که کارگران حقوق

### اعتراض به پناه دادن یک مزدور

تبریز - رانندگان تبریز و کامیون و همچنین کامیونداران تبریز، روز چهارشنبه ۲۲ فروردین به منظور اعتراض به پناه دادن یک مزدور ساواکی به نام "هدایت" در منزل قاضی سرپرست کمیته امام تبریز، در یک تظاهرات آرام و بدون شعار شرکت و به طرف خانه قاضی راهپیمایی کردند. "هدایت" که در دوره شاه سابق از طرف "ارتشبدنصری" به ریاست سندیکای کامیونداران تبریز منصوب شده بود و همچنین نقش اصلی را در برهانداختن برنامه های ضد خلقی چماق بدستان محمد رضا شاه در منطقه داشته است، در همین اواخر، بنا به گفته کامیونداران، با گردآوری گروهی از اوپایش در منطقه ای به نام گرگر و نصب یک آرم بزرگ "جشن های ۲۵۰۰ ساله" در جاده راه را فرقی کامیونهای خود و کامیونداران بزرگ کرده و به هیچ کامیون دیگری اجازه عبور نمی دهد. رانندگان تصمیم به مقابله با وی میگیرند و هدایت به خانه قاضی پناهنده می شود. رانندگان با اعتراض به پناه دادن این عنصر مغفوری مردم، خواستار تحویل وی بودند. نماینده قاضی از وجود ساواکی فراری اظهار بی اطلاعی میکند.

### تیراندازی در بیمارستان

ساری - اواخر هفته پیش یکی از اهالی ده ماچک در یک تصادف مجروح و به بیمارستان پهلوی (سابق) برود می شود. در بیمارستان عمداً به بیمار رسیدگی نمی شود و بدنبال اعتراض یکی از پرستاران مأموران کمیته به محال آمده شروع به تیراندازی هوا می کنند. در پی این حادثه پرستارانی و پزشکان بیمارستان به عنوان اعتراض عدم اهمیت دست به اعتصاب زده اند.

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

بقیه از صفحه اول

# سخنی با هواداران سازمان

به هر توطئه ای دست می‌زنند تا حقوق دمکراتیکی را که مردم مبارزات خویش کسب کرده‌اند پایمال گردانند و در این راه از هیچ جنایت و خیانتی رویگردان نیستند. به تحریک احساسات پاک و مذهبی نوجوانان پرشور می‌پردازند و تحت لوای دفاع از انقلاب آنان را به حمله علیه اجتماعات نیروها مترقی و دفاوتر سازمانهای انقلابی وا می‌دارند.

توطئه گران مرتجع با سپر کردن سینه این نوجوانان ناگاه و بسیج آنان برای از بین بردن حقوق دمکراتیک مردم به جنایتکارانه ترین اقدامات بر علیه نیروهای انقلابی مردم دست می‌زنند. اینان می‌خواهند خون این نوجوانان را به حربه ای علیه آزادی و دمکراسی، علیه آرمانهای طبقه کارگر و هواداران آن بدل سازند و راه رسیدن به اهداف خود که تثبیت مجدد حاکمیت کامل ارتجاع وابسته به امپریالیسم است، همراه سازند. از این رو:

۱- شیوه مادر مقابل با این توطئه ها، افشاء ماهیت ضد مردمی عناصر تحریک کننده و آگاه ساختن این جوانان فریب خورده است. مادر دفاع از دفاوتر خود به نیروی لایزال خلق قهرمانان، همان خلقی که با شاه جلاد را درهم ریخت متکی خواهیم بود. تکیه بر خلق و بیداری توده های مبارز مطمئن ترین وسیله دفاع است. ما تا آنجا که در توان داریم با تمام قوا از بروز درگیریهای مسلحانه و غیر مسلحانه با این جوانان ناگاه و فریب خورده خودداری و جلوگیری کنیم این وظیفه ما، هواداران ما و کلیه طرفداران آزادی و دمکراسی است. این

درگیریها به سود خلق نیست و هیچگاه با تمایل خود بدان تن نخواهیم داد. ۲- در شرایط کنونی ارتقاء سطح آگاهی کارگران و سایر زحمتکشان و کوشش برای سازمان دادن و متشکل کردن آگاهترین عناصر مبارز و انقلابی و طبقه کلیه نیروهای هوادار است. اشاعه آگاهی سوسیالیستی و دمکراتیک، ترویج سوسیالیسم علمی در میان کارگران و سایر زحمتکشان، بهترین اهرم برای متشکل کردن و سازمان دادن مبارزات طبقه کارگر است. بسیج سیاسی از طریق بخش وسیع نشریات سازمان، تشکیل مجامع سخنرانی و بحث و گفتگو و پیرامون مسائل سیاسی روز، توده ای ترین و همه گیرترین اهرم بسیج تشکیلاتی طبقه کارگر است.

این فعالیت باید آنچنان پیش برود که در پروسه خود بتواند زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر را فراهم آورد و صف متشکل و مستقل طبقه کارگر را بوجود بیاورد و بتواند قدم به قدم نیروهای انقلابی را به یکدیگر نزدیکتر کرده و موضع نیروهای هوادار طبقه کارگر را به مثابه پیشگام مبارزه برای دمکراسی در بین سایر نیروهای انقلابی تثبیت کند و اتحاد مدافعان واقعی دمکراسی و آزادی تحقق یابد. از این نظر می باید از هرگونه درگیری و تفرقه درین اقطار و طبقات خلق، چیزی که ارتجاع و امپریالیسم سعی در ایجاد آن می‌کنند مطلقاً پرهیز کنیم و اجتناب ورزیم.

۳- ضرورت مبارزه در راه تشکیل حزب طبقه کارگر ایجاد می‌کند که بین وظایف سوسیالیستی و دمکراتیک خود تناسبی اصولی برقرار کنیم. تکیه عمده بر مسئله ملی، اختصاص عمده نیروها برای پیشبرد مبارزه دمکراتیک که کم توجهی به وظایف سوسیالیستی

روی دیگر آن است، نه تنها ما را از دست یافتن به حزب طبقه کارگر باز می‌دارد، بلکه مبارزه دمکراتیک را نیز نهایتاً تضعیف خواهد کرد. مایابستی با ترویج و تبلیغ وسیع سوسیالیستی و دمکراتیک از طریق بخش نشریات به مقیاس گسترده و سخنرانیها و غیره و با شرکت مستقیم و فعال در مبارزات کارگران برای تشکیل سازمانهای کارگری از قبیل اتحادیه ها سندیکاها و شوراهای متشکل کردن عناصر پیشرو و آگاه کارگر، به پیش زانیم و در یک کلام، با رفتن به میان کارگران و گسترش پیوند سیاسی و تشکیلاتی با آنان، تشکیل صف متشکل و مستقل طبقه کارگر را که اهرم ضروری برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و گذار به سوسیالیسم است فراهم آوریم.

۴- در شرایط اختناق و دیکتاتوری که امکان ارتباط گیری وسیع با محافل هسته ها و گروههای هوادار دشوار بود، سازمان طی رهنمودهایی تشکیل هسته ها و گروههای مستقل از سازمان را با نام گروه هوادار توصیه کرده بود. این گروهها نشریات خاص خود داشتند که با امضاء "گروه هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" منتشر می‌کردند. اما امروز که امکان ارتباط گیری با تمام این نیروها میسر شده است، هواداران باید در رابطه نزدیک و مستقیم با سازمان قرار گیرند و از نشریات مرکزی سازمان استفاده کنند و نیرو، توان و امکانات خود را در جهت تقویت ارگان مرکزی سازمان قرار دهند. امروز دیگر ادامه کار بشکل گذشته، بپراکنده کاری و خرده کاری به حساب می‌آید و موجب تلف شدن نیروها خواهد شد. امروز براهتی می‌توانیم از انتشار هر نوع نشریه مستقل تحت عنوان گروه هوادار خودداری نکنیم و در عوض با تقویت ارتباط خویش

با سازمان فعالیت انتشاراتی خود را از مجرای سازمان پیش ببریم. ۵- در برخی مناطق هواداران خود را با اقدام به تاسیس دفتری کرده‌اند. از آنجا که بعلت نبودن ارتباط ارگانیک، کنترل سازمانی و تشکیلاتی بر این دفاتر وجود ندارد، در مواردی مشاهده می‌شود که نحوه و طرز کار و برخورد با مسائل روز مره از طرف دفاتر هوادار با خط مشی و تاکتیکهای سازمان هماهنگی ندارد.

در چنین شرایطی سازمان و هوادارانش دارای پراتیک واحد و همگون سیاسی و مبارزاتی نخواهند بود و عملاً بدلیل عدم وجود ارتباط ارگانیک برخورد هواداران با مسائل مبارزاتی روزمره احتمالاً در برخی موارد منطبق با خط کار سازمان نبوده و ایجاد تشتت خواهد کرد.

در شرایط حساس کنونی اگر حرکات کاملاً سنجیده و تصمیم گیریها بسیار مسئولانه و هماهنگ با حرکت همه نیروهای هوادار در سراسر ایران نباشد، میتواند مشکلات ناخواسته ای را بر سازمان و هوادارانش تحمیل کند. گروه های هوادار از آنجا که در یک منطقه عمل میکنند، گاه تحت تاثیر محیط خود از محاسبه روی تمام جوانب و توجه به شرایط سایر نیروها در مناطق دیگر و سرتاسر ایران بازمی‌مانند.

لذا به هواداران توصیه می‌شود، با حرکت در جهت پیوند ارگانیک با سازمان بتوانند فعالیتهايشان را همگون و پایهای سازمان پیش برند و تا تحکیم پیوند ارگانیک خود با سازمان و تا زمانیکه سازمان مسئولیت آنها را بعهده نگرفته است، بدون بهره گیری از عنوان فدائی حرکت و فعالیت کنند. عیوضاً وظایف سنگینی که در قبال جنبش طبقه کارگر و جنبش خلق بر عهده فدائیان قرار گرفته، عملاً ما را بصورت سنگر عمده هواداران طبقه کارگر در آورده است. سنگینی بار وظایف روزمره، انجام بخشی از وظایف اساسی ما را معوق گذارده است. لذا باید مصممانه و بطور قاطع از غرق شدن در خرده کاری و درگیر شدن با مسائل جزئی روزمره پرهیز کنیم. توجه به رهنمودهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان و تلاش در جهت از بین بردن هر نوع گسیختگی تشکیلاتی باید عمیقاً مورد توجه هواداران سازمان قرار گیرد. تن دادن به درگیریهای ناخواسته، پذیرش بار بیش از حد توان ما را به خرده کاری می‌کشد، دنباله روی از حوادث را رشد می‌دهد و سانترالیسم را تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی رابطه بین تئوری و عمل گسیخته و حرکت ما عملاً فاقد خط استراتژیک می‌شود. کلیه هواداران موظفند که با توجه عمیق و جدی به مسائل استراتژیک و با پرهیز از خرده کاری و مورد نظر قرار دادن رهنمودهای سازمان، فعالیتهای خود را هماهنگ با سازمان کرده و در جهت مستحکمتر کردن پیوند خود با سازمان گام بردارند و برای ایجاد تشکیلات واحد سرتاسری، در جهت تقویت هر چه بیشتر سانترالیسم بکوشند.

## جبهه ملی آزادبخش نیکاراگوآ فعالیتهاى خود را تشدید میکند

نیکاراگوآ - ۱۸-۱۹ فروردین  
ششماه بعد از قیام توده ای به رهبری چریکهای جبهه آزادبخش "ساندنیستا" بر علیه رژیم فاشیستی سوموزا، باردیگر فعالیتهای جبهه به شکل گسترده آغاز شده است. طی ششماه اخیر برخوردهای مسلحانه بین چریکهای "ساندنیستا" و گارد ملی نیکاراگوآ تقریباً در تمام شهرها به وقوع پیوسته است.  
رهبران چریکهای "ساندنیستا" استراتژی مرحله ای این جبهه را ادامه جنگ بر علیه گارد ملی نیکاراگوآ اعلام کرده‌اند.  
وضع اقتصادی بحرانی نیکاراگوآ طی نبردهای ششماهه اخیر که هزاران کشته و مجروح به جای گذاشته است، روز به روز وخیمتر میشود.  
جبهه ملی آزادبخش اخیراً صفوف خود را گسترده تر کرده و وحدت بین سه جناح مختلف جبهه را که از نظر تاکتیکی اختلافاتی داشتند، استحکام بخشیده است. در عین حال خبرگزارها گزارش می‌دهند که کشورهای پاناما، کوستاریکا و نروژ تلاشها را برای حمایت از چریکها بر خاسته اند.

## تمدید حکومت نظامی در پرو

معدن مس بازداشت شده اند. کارگران معدن مس طی سه هفته گذشته دست به اعتصاب زده بودند. همچنین در پایتخت پرو (لیما) نویسندگان و کارکنان مطبوعات برای اعتراض به سانپو عدم آزادی مطبوعات دست به اعتصاب زده اند.

## اخبار خارجی

### اعتصاب کارگران صنایع فولاد فرانسه ادامه دارد

لورن - فرانسه  
صنایع فولاد فرانسه بعلمت اعتصابات طولانی کارگران با بحران روبرو شده است. علت اعتصابات اخراج عده بسیاری از کارگران این صنعت است. اعتصاب کارگران دو - کارخانه فولاد در منطقه (لورن) که از بزرگترین کارخانه های فولاد کشور فرانسه می باشد ( عملاً این کارخانه ها را به حالت تعطیل در آورده است. در کارخانه های بزرگ "اوزینور" واقع در شهر "دون کوک" تمامی فعالیتهای صنفی متوقف شده است و نزدیک به ۱۰۱ هزار کارگر دست از کار کشیده اند. در

هفته گذشته عوامل کارفرما، کوشیدند کوره های بلند کارخانه را بکار اندازند ولی با اعتراض شدید کارگران روبرو شدند.

در ضمن سندیکیای کارگران بخش صنایع فولاد به منظور چگونگی مقابله با کارفرمایان با سایر سندیکاها وارد مذاکره شده است. سه شنبه گذشته کارگران به دعوت سندیکاها اقدام به راهپیمایی کردند که ضمن آن خواستار پرداخت دستمزدهای گذشته خود شدند.

### اول ماه مه روز نمایش ...

منفور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمایی به عنوان روز کارگر به رسمیت شناخته شد. اما رژیم منفور پهلوی که این پیروزی طبقه کارگر ایران را نمی توانست تحمل کند در عمل با برنامه های ضدانقلابی و کثیف خود می‌کوشید این مراسم کارگری را لوث کند. در سال ۱۳۵۵ چند روز پیش از روز اول ماه مه، مزدوران این رژیم ننگین تظاهرات آرام و راهپیمایی اعتراضی کارگران جهان چیت را به خاک و خون کشیدند و دهها شهید و زخمی برجای گذاشتند و به این ترتیب روز اول ماه

مه همواره در کشور ما خاطره شهدای به خاک و خون خفته جهان چیت را زنده خواهد کرد. امسال کارگران ایران روز اول ماه مه را در شرایط خاصی برگزار خواهند کرد. طبقه کارگر ایران امسال تنها روز کارگر را جشن نمی‌گیرد، بلکه پیروزی خود را در مبارزات طولانی علیه رژیم ننگین پهلوی جشن خواهد گرفت. این بار کارگران ایران با گامهای استوار به سوی پیروزی نهایی علیه سرمایه داری وابسته خارجی و درهم کوبیدن هر چه کاملتر دیگر پایگاههای امپریالیسم پیش خواهند رفت.

# درباره حزب طبقه کارگر

(۱)

از همان زمان که سرمایه داری در جهان پیدا شد ، همراه با پیدایش ورشده آن دوطبقه اصلی ، بورژوازی یعنی سرمایه داران و پرولتاریا یعنی کارگران مزد بگیر هم بوجود آمدند .

بورژوازی یعنی سرمایه داران ، کلیه وسایل تولید را در دست خود گرفته و به مالکیت خصوصی خود در آورده اند . ولی پرولتاریا یعنی کارگران صاحب هیچ نوع وسیله تولید نیستند و تنها چیزی که دارند نیروی کار خودشان است ، بنابراین مجبورند نیروی کار خودشان را در ازای مزد ناچیزی به سرمایه دار بفروشند یعنی به خدمت سرمایه دار در آیند تا بتوانند لقمه نانی گیر آورده و زنده بمانند . البته سرمایه دار دلش به حال کارگر سوخته و اگر مزد ناچیزی به کارگر می دهد فقط به این دلیل است که کارگر زنده بماند تا بتواند دوباره از نیروی کار او برای کسب سود هر چه بیشتر استفاده کند .

کارگران بطور دسته جمعی کار می کنند و زحمت می کشند اما ثمره کارشان به سرمایه دار تعلق می گیرد و خودشان از ثمره کارشان بی بهره می مانند . سرمایه دار از آنجاکه وسایل تولید را به مالکیت خصوصی خود در آورده است ، دسترنج کارگران را می رباید . بعبارت دیگر سرمایه داران کارگران را استثمار می کنند و این اساس تضاد آشتی ناپذیری (آنتاگونیستی) است که بین کارگران و سرمایه داران وجود دارد . مبارزه کارگران علیه سرمایه داران یا مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی هم محصول یا نتیجه تضاد آشتی ناپذیر بین این دوطبقه استثمار شونده و استثمار کننده است .

از همان زمان که سرمایه داری پیدا شد ، مبارزه بین کارگران و سرمایه داران هم آغاز گردید . در ابتدا مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان جنبه فردی دارد یعنی کارگران می خواهند تک تک در برابر کارفرما قرار گرفته و حق خود را از او بگیرند اما مانع در برابر کارفرما قرار می گیرند از یک طرف بخوبی درمی یابند که به تنهایی کاری از دستشان ساخته نیست و نمی توانند در برابر کارفرما دولت حامی آن کاری از پیش ببرند و از طرف دیگر متوجه می شوند که خواست همه کارگران یکی است ، یعنی کارگران دارای خواسته های واحد و مشترکی هستند آنها ابتدا به اتحاد کارگران در یک کارگاه و بتدریج به صورت اتحاد همه کارگران پی میبرند .

مبارزات کارگران به آنها نشان می دهد که بطور پراکنده نمی توانند مبارزه شان را علیه کارفرما به نتیجه برسانند . آنها درمی یابند که در برابر قدرت متشکل بورژوازی باید متشکل شوند . بدون تشکل و بطور پراکنده هیچ کاری پیش نمی رود . نه تنها

مبارزات خود کارگران بلکه جریان تولید نیز بعلت آنکه کارگران بطور دست - به - جمعی سازمان یافته در تولید شرکت می کنند ، بروشنی ضرورت تشکل را برای کارگران آشکار می کند .

کارگران به تدریج به ضرورت اتحاد و تشکل پی میبرند و برای دفاع از حقوق صنفی خود ، اتحادیه و سندیکا تشکیل می دهند . اتحادیه و سندیکا گرچه برای مبارزه طبقه کارگر ضروری و لازم است ولی چون محدود به مبارزه برای تحقق خواسته های صنفی یعنی مبارزه برای بالا بردن مزد ، کاهش ساعات کار ، بهتر کردن شرایط کار و مانند آن است نمی تواند وسیله ای برای ایجاد تغییرات اساسی در زندگی کارگران و آزادی کارگران از بندگی سرمایه دار گردد . چرا که تنها می تواند تغییرات جزئی در زندگی کارگران به وجود آورد . به عبارت دیگر شرایط فروش نیروی کار را بهتر کند ، ولی اساس تمام بدحلتیها یعنی آن مناسباتی را که توده های مردم را تبدیل به کارگران مزد بگیر کرده است تغییر نمی دهد . این مبارزات به تنهایی نمیتواند منجر به لغو مالکیت خصوصی ( مالکیت سرمایه داران بر وسائل تولید ) که سرمنشأ تمام بدحلتیهاست گردد . سرمایه داران گرچه ممکن است در برابر مبارزه کارگران مجبور به عقب نشینی هایی جزئی بشوند ولی هیچگاه از منافع اساسی خود نخواهند گذشت و برای حفظ منافع خود از هیچ جنابتی روی گردان نیستند . آنها برای حفظ منافع خود ، نیروهای مسلح ، دادگاهها پلیس ، ژاندارمری و دستگاههای عریض و طویل اداری و تشکیلات سیاسی وابسته به خود ایجاد کرده اند تا بتوانند جنبش کارگری را سرکوب کنند و مانع تشکل و بالارفتن آگاهی کارگران شوند . آنها از دولت بعنوان وسیله ای برای سرکوب کارگران استفاده می کنند ، بنابراین طبقه کارگر برای اینکه بتواند مناسباتی را که موجب بدحلتی اوست ، یعنی نظام سرمایه داری را تغییر دهد ، باید ابتدا ابزار سرکوب بورژوازی یعنی دولت مدافع منافع سرمایه داران را سرنگون سازد . کارگران زمانیکه برای احقاق حقوق خود برمی خیزند با نیروی متشکل طبقه سرمایه دار و با نیروهای مسلح آن مواجه میشوند و سرکوب می گردند و به ناکافی بودن مبارزه اقتصادی و به ضرورت مبارزه سیاسی پی میبرند و مبارزه شان ماهیت سیاسی به خود می گیرد . از آنجا که تشکل صنفی کارگران ( اتحادیه و سندیکا ) دامنه عملش محدود به مبارزات صنفی ( اقتصادی ) است ، نمی تواند کارگران را برای مبارزه سیاسی متشکل کند . بنابراین این کارگران برای اینکه بتوانند در برابر قدرت متشکل بورژوازی مبارزه متشکل

# نقد اساسنامه یک سندیکا

بقیه از صفحه ۱

البته اخبار فراوان و دلگرم کننده ای از فعالیتهای سندیکائی و تلاشهای صمیمانه و جدی در جهت ایجاد سندیکا و اتحادیه بدستمان رسیده بود . اما از اصول و قواعد این سندیکاهای مطلقاً به جز گزارش گونه هائی نداشتیم ، تا اینکه در این یکی دو هفته اخیر رفقای کارگر چند نمونه اساسنامه پیش نویس شده یا تدوین و تصویب شده برای ما فرستادند .

هر کدام از این اساسنامه های ارسالی دارای محاسن و معایبی است که با توجه به آنها نظر تجربه فعالیتها ی سندیکائی در ایران میتواند بسیار مفید و موثر باشد . ماضن آنکه از همه رفقای کارگر دعوت می کنیم که اساسنامه های سندیکای خود را برای ما فرستند ، از همه نشان را با ما در میان بگذارند . باشد که از درون این نظرات و انتقادات جنبش نوپای سندیکای واقعی راه درست را بیابا کند و در جهت تکامل خود بکوشد .

اولین نمونه مورد بررسی ما ، پیش نویس اساسنامه کارگران صنعت نفت است که در همین ماه تهیه شده است این اساسنامه حاوی یک مقدمه ، چهار فصل و ۳۵ ماده در هفت صفحه است که بایستی در مجمع عمومی به تصویب کارگران برسد .

چون به استثنای مقدمه و چندین ماده فصل اول ، بقیه پیش نویس بیشتر به مسائل اجرائی پرداخته است ، تقریباً همه بحث و استناد مانیز بر سر همین دو قسمت است .

۱- در مقدمه آمده است که " ما کارگران صنعت نفت به منظور ... اعتلا دانش سیاسی و اجتماعی و آگاهی کارگران از موقعیت طبقاتی و اجتماعی و سیاسی خود ... تصمیم به ایجاد سندیکای واقعی و مستقل خویش گرفته ایم ."

ملاحظه می شود که این رفقا ضمن آنکه به رسالت تاریخی خود آگاه هستند و " اعتلای دانش سیاسی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده اند ، در عین حال تاکید کرده اند که

بکنند باید سازمان سیاسی خاص خود را بوجود آورند . تنها چنین سازمانی است که میتواند مبارزات طبقه کارگر را در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیک رهبری کرده و این مبارزات را جهت درهم شکستن دولت بورژوازی سمت دهد . تنها یک سازمان سیاسی که آگاهترین و پیشروترین کارگران را در خود متشکل کرده باشد میتواند طبقه کارگر را در مبارزه برای رهائی از اسارت و بندگی متشکل کرده و رهبری کند . این سازمان سیاسی ، حزب طبقه کارگر نام دارد . در آینده درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بطور مفصل صحبت خواهیم کرد .

" تصمیم به ایجاد سندیکای مستقل گرفته اند . زیرا عامل یکپارچگی و وحدت کارگران در درون سندیکاها ، رنج ها ، ستم ها ، فشارها و تضییقات مشابه بر همه آنهاست . این فشار مستقل از هرگونه عقیده و مسلک بر آنها وارد می شود و چون از ستم واحدی رنج می برند ، منافع واحدی نیز ندارند ، منافع واحدی که از طریق تشکل در سندیکاهای مستقل در پی تأمین آن هستند ."

سپس به تعریف سندیکای واقعی پرداخته اند : " سازمان صنفی غیرانتفاعی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است " ، " که از منافع و خواسته های صنفی سیاسی کارگران و زحمتکشان در مقابل هدف استثمار گرانه کارفرمایان دفاع می کند . این تعریف عام است یعنی همه سندیکاهای واقعی اینگونه هستند ، همه علیه کارفرما هستند ، اما این سندیکاهای خاص ، سندیکای کارگران شرکت ملی نفت ایران در مقابل کدام کارفرما یا کارفرمایان از منافع کارگران دفاع خواهد کرد ؟ بهتر نبود روش گفته می شد در مقابل هیئت مدیر شرکت ملی نفت ، آنگاه به نکته بسیار ارزنده ای اشاره شده است . شیوه کار نمایندگان واقعی چگونه است ؟ از یک طرف " می بایستی در تماس نزدیک و دائم با کارگران و محیط کار باشد تا هیچگاه از محیط کار و شرایط مشقت بار آن بیگانه نشوند " و این اصلی بسیار اساسی و دقیق است که کارگران بدرستی بر آن تاکید کرده اند و از طرف دیگر هر زمان که روحیه کارگری آنان از دست برود و نسبت به منافع کارگران بی تفاوت شوند ، در کنار گذاردن آنها از طرف کارگران نمی بایست کمترین شک و تردید و درنگی بشود " و این نیز از اصول اولیه دموکراسی است . نماینده تالاحظه ای نماینده است که در جهت خواسته های انتخاب کنندگان فعالانه بکوشد و از لحظه ای که حرکتش کند شود یا نتواند موضع قاطع و درستی بگیرد ، عملاً کنار رفته و باید انتخاب کنندگان بتوانند رسماً هم او را برکنار کنند .

در ضمن متذکر می شویم که اساسنامه تعریفی از " مجمع عمومی " بدست نداده است و فقط بر شیوه برگزاری آن تاکید کرده است . در حالیکه بهتر بود حداقل گفته می شد " مجمع عمومی عالیترین ارگان تصمیم گیری سندیکا است ، و مسلماً بدنبال این تعریف دیگر چنان قاطع تصمیم گیری در مورد اخراج اعضاء به شورا های اجرائی واگذار نمی شد بلکه حداقل به کارگر عضو سندیکا این فرصت داده می شد که شکایت خود را در مورد اخراج به هیئت بازرسان ( که قدرت دعوت مجمع عمومی فوق العاده را دارد . ماده ۱۵ بند ۲۱ ) یا مجمع عمومی عادی ارائه دهد

و نظر مجمع را در این مورد بخواهد .

۲- به فصل اول تحت عنوان " حوزه فعالیت ، هدف و وظایف " بپردازیم . در بند اول رفقا به نکته بسیار ارزنده و بااهمیتی توجه کرده اند : " تأمین منافع حرفه ای و بهبود وضع اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی کارگران عضو ، با توجه به قوانین مترقی مربوط به کارگران در سطح جهان " .

قوانین مترقی کار ضرورت روز است قانون کار قانون نظام شاهنشاهی است و باید به همراه آن نظام دهن شود و قانونی مترقی ترین قوانین جهان توسط خود کارگران تدوین ( بنده ماده ۳ اساسنامه ) وزیر نظارت آنها اجراء شود . و این خواست همه کارگران ایران است .

در بند چهارم با مکان وحدت با سایر سندیکاهای وابسته به صنایع نفت در جهت تشکل اتحادیه اشاره شده است به امید روزیکه از اتحادیه هائی که کنفدراسیون کارگری برای تأمین منافع صنفی - سیاسی طبقه کارگران بوجود آید .

بند ۵- همانطوریکه در مقدمه نیز ذکر شده است ، وظیفه مبرم و بسیار حیاتی کارگران مبارز عبارتست از " با لا بردن سطح دانش سیاسی و اجتماعی کارگران عضو " . خوب می دانید که توده ها و بخصوص طبقه کارگر در این دوران پس از قیام " تشنه آگاهی " است و شمام به سهم خود می توانیم او را سیراب کنیم . شما کمک گرفتن از بند ۷ وظایف اساسنامه می توانید از امکان " تأسیس مراکز فرهنگی و آموزشی باشگاههای کارگری ، کتابخانه ها و سالنهای کنفرانس روزنامه ، خبرنگارانه مجله و غیره به نحو کاملتری در جهت وظیفه خطیرتان بکار گیرید و آنوقت در مقابل کلیه اقداماتی که مفاخر یا منافع اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی کارگران است از جانب هردستگاهی که باشد دست به " افشاکاری " بزنید . ( بند ۸ )

اساسنامه در بند ۱۳ خواستار " نظارت بر اداره اکتشاف ، استخراج پالایش ، پخش و فروش فرآورده های نفتی و حق دخالت در تعیین مسئولین امور مربوطه فوق شده است . بهتر بگوئیم خواسته شده است که کارگران گامی در جهت منافع طبقاتی خود به پیش بردارند . این آرزوی همه طبقات و اقشار خلقی ایران است . دستهای توانای شما کارگران قادر است که همانطوریکه گلشنی استبداد را فشرده ، سرانجام امپریالیزم را نیز خفه کند . زیرا آگاهی شما در حدی است که مسائل را در پیما جهانی آن دیده و لزوم ایجاد کمیته مسائل بین المللی " را مطرح کرده اید . و ما به توانائی شما کارگران ایمان داریم . زیرا حربه کلرانی در اختیار شماست ، قطع جریان حیاتی اقتصادی کشور و شما حقانیت و تثبیت این حربه " اعتصاب " را در بند ۱۵ فصل وظایف گنجانیده اید .

# اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم